

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الغدير همراه

جلد سوم

(غديره سرايان)

قرن پنجم تا دوازدهم هجری قمری

مؤلف:

علامه عبدالحسين امینی نجفی

گزینش و ترجمه

سید ابراهیم سید علوی



انتشارات بنا

سرشناسه	: امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹
عنوان قراردادی	: الغدير فی الكتاب و السنه و الادب. فرسی. برگزیده.
عنوان و نام پدیدآور	: الغدير همراه / مؤلف عبدالحسین امینی نجفی؛ گزینش و ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ۹۷ ص. ۳۸۰۰۰ ریال
شابک	: ۱-۳۲-۰۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۳.
وضعیت	: فیفا
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه، گزینش و انتخاب کتاب «الغدير» اثر عبدالحسین امینی است.
مندرجات	: واقعه غدیر
موضوع	: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت
موضوع	: غدیر خم
شناسه افزوده	: سید علوی، سیدابراهیم، ۱۳۱۸ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BP ۲۲۳/۵۴ الف ۸ غ ۴۰۴۲۱۴۶ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیوبی	: ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۷۳۴۴۱



انتشارات نبأ

الغدير همراه (جلد ۳) (غدیریه سرایان)

قرن پنجم تا دوازدهم هجری قمری

علامه عبدالحسین امینی نجفی

گزینش و ترجمه: سیدابراهیم سیدعلوی

ویراستار: عبدالحسین فخاری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: چکاد

لیتوگرافی: ندا گرافیک / چاپ: دالاهو / صحافی: صالحانی

چاپ: اول ۱۳۹۳ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهارشیراز،

کوچه مقدم، نبش ادیبی، پلاک ۲۶، طبقه سوم

تلفکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲-۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک: ۱-۳۲-۰۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸

فہرست

۷	پیش سخن.....
۹	قرن پنجم.....
۹	سی و ششم: شریف رضی.....
۱۰	غدیریہ:.....
۱۰	سی و ہفتم: ابو محمد صوری.....
۱۱	غدیریہ او:.....
۱۲	سی و ہشتم: مہیار دیلمی.....
۱۴	سی و نہم: شریف مرتضی.....
۱۶	چہل: ابو علی بصیر نیشابوری.....
۱۷	چہل و یکم: ابوالعلا معری.....
۱۷	غدیریہ او:.....
۱۷	چہل و دوم: مؤید فی الدین.....
۲۰	چہل و سوم: ابن جبری مصری (۴۲۰-۴۸۷).....
۲۱	قرن ششم.....
۲۱	چہل و چہارم: ابوالحسن فنجرودی.....
۲۲	چہل و پنجم: ابن منیر طرابلسی.....
۲۳	غدیریہ او:.....
۲۴	چہل و ششم: قاضی ابن قادوس.....
۲۵	غدیریہ او:.....
۲۵	چہل و ہفتم: ملک صالح.....
۲۶	غدیریہ او:.....
۲۸	چہل و ہشتم: ابن عودی نیلی.....
۲۹	چہل و نہم: قاضی جلیس.....
۳۱	پنجاہ: ابن مکی نیلی.....
۳۱	غدیریہ او:.....
۳۲	پنجاہ و یکم: خطیب خوارزمی.....
۳۲	غدیریہ او:.....
۳۲	پنجاہ و دوم: فقیہ عمارہ یمنی.....
۳۳	غدیریہ او:.....
۳۳	پنجاہ و سوم: سید محمد اقساسی.....
۳۴	غدیریہ او:.....

- ۳۴..... پنجاه و چهارم: قطب الدين راوندی
- ۳۵..... غديریه او:
- ۳۶..... پنجاه و پنج: سبط ابن تعاویذی
- ۳۶..... غديریه او:
- ۳۷..... قرن هفتم
- ۳۷..... پنجاه و هشتم: منصور بالله
- ۳۷..... غديریه او:
- ۳۸..... پنجاه و هفتم: مجدالدين ابن جميل
- ۳۹..... غديریه او:
- ۳۹..... پنجاه و هشتم: شوا کوفی حلی
- ۴۰..... غديریه او:
- ۴۰..... پنجاه و نهم: کمال الدين شافعی
- ۴۱..... غديریه:
- ۴۱..... شصت: ابو محمد منصور بالله
- ۴۲..... شصت و یکم: ابو حسين جزار
- ۴۴..... شصت و دوم: قاضی نظام الدين
- ۴۴..... غديریه:
- ۴۴..... شصت و سوم: شمس الدين محفوظ
- ۴۵..... غديریه:
- ۴۶..... شصت و چهارم: بهاء الدين اربلی
- ۴۶..... غديریه:
- ۴۷..... قرن هشتم
- ۴۷..... شصت و پنجم: ابو محمد ابن داود حلی
- ۴۷..... غديریه ابن داود:
- ۴۸..... شصت و هشتم: جمال الدين خلطی یا خلیعی
- ۴۸..... غديریه:
- ۴۹..... شصت و هفتم: سريجي اوالی
- ۴۹..... غديریه اوالی:
- ۵۰..... شصت و هشت: صفی الدين حلی
- ۵۰..... غديریه:
- ۵۱..... شصت و نهم: امام شيبانی شافعی
- ۵۲..... هفتاد: شمس الدين مالکی و غديریه او
- ۵۳..... غديریه او:
- ۵۳..... هفتاد و یکم: علاء الدين حلی
- ۵۳..... غديریه ها:
- ۵۵..... قرن نهم
- ۵۵..... هفتاد و دوم: ابن عرندس حلی

- هفتادوسوم: ابن داغر حلی ۵۶
- هفتادوچهارم: حافظ برسی حلی ۵۷
- غدیریه: ۵۷
- هفتادوپنج: ضیاءالدین هادی ۵۸
- غدیریه: ۵۹
- هفتادوششم: حسن آل ابی عبدالکریم ۵۹
- قرن دهم ۶۱
- هفتادوهفتم: شیخ کفعمی ۶۱
- هفتادوهشتم: عزالدین عاملی ۶۲
- قرن یازدهم ۶۵
- هفتادونهم: ابن ابی شائین بحرانی ۶۵
- غدیریه او: ۶۵
- هشتاد: زین الدین حمیدی ۶۶
- هشتادویکم: بهاء الملة والدین ۶۷
- هشتادودوم: حرفوشی عاملی ۶۹
- غدیریه: ۶۹
- هشتادوسوم: ابن ابی الحسن عاملی ۷۰
- غدیریه: ۷۱
- هشتادوچهارم: شیخ حسین کرکی ۷۱
- هشتادوپنجم: قاضی شرف الدین ۷۲
- هشتادوششم: ابوعلی أنسی ۷۳
- غدیریه او: ۷۳
- هشتادوهفتم: سید شهابالدین موسوی حویزی ۷۴
- غدیریه: ۷۵
- هشتادوهشتم: سیدعلی خان مشعشی ۷۵
- غدیریه: ۷۶
- هشتادونهم: سید ضیاءالدین یمنی ۷۷
- غدیریه: ۷۷
- نود: ملا محمد طاهر قمی ۷۸
- غدیریه فارسی: ۷۸
- غدیریه عربی: ۷۸
- معنی غدیریه عربی: ۷۹
- نودویکم: قاضی جمال الدین مکی ۷۹
- غدیریه: ۸۰
- نودودوم: ابو محمد ابن شیخ صنعان ۸۰
- قرن دوازدهم ۸۲

- ۸۲..... نودوسوم: شيخ حر عاملی
 ۸۳..... نودوچهارم: شيخ احمد بلادی
 ۸۳..... غديریه:
 ۸۴..... نودوپنجم: شمس الأدب یمنی
 ۸۴..... غديریه:
 ۸۵..... نودوششم: سيدعلی خان مدنی
 ۸۶..... غديریه:
 ۸۷..... نودوهفتم: شيخ عبدالرضا مقری کاظمی
 ۸۷..... غديریه:
 ۸۹..... نودوهشت: علم الهدی محمد
 ۹۰..... نودونهم: شيخ علی عاملی
 ۹۱..... یکصد: ملا مسیحای فسوی
 ۹۱..... یکصدویکم: ابن بشاره غروی
 ۹۱..... غديریه:
 ۹۲..... یکصدودوم: شيخ ابراهیم بلادی
 ۹۳..... یکصدوسوم: شيخ ابومحمد شویکی
 ۹۴..... یکصدوچهارم: سيدحسین رضوی
 ۹۵..... غديریه ها و مدايح او:
 ۹۵..... یکصدوپنجم: سيد بدرالدین محمدبن حسین
 ۹۶..... غديریه:

پیش سخن

خدایا! حمد و ثنا تو را می‌سزد ای دارنده نعمت‌های
بزرگ و دامنه‌دار.

و ستایش تو را است در برابر ولایت و سرپرستی که تو بر
ما داری و بر ولایت محمد صلی الله علیه و آله و بر ولایت عترت طاهره،
والیان امر و متصدیان امر تو.

خدایا از تو مسئلت دارم بر محمد و آل او درود فرستی و
رازهای درون سینه‌مان را سامان بخشی و اصلاحمان فرمایی.
و ما را با ایمان نیکو، به کار بگیری و در خدمت به جامعه و
فراخوانی به حق و حقیقت و حرکت به دنبال مصالح عمومی
و بالابردن کلمه توحید و پخش و نشر آثار بزرگان و سروران
امت، دست ما را بگیری و توفیق من جز از تو نیست و به تو
توکل کردم و برگشتم به سوی توست.

الامینی

قرن پنجم

سی‌وششم: شریف رضی

ابوالحسن محمدبن ابی احمد سید شریف رضی از اولاد امام موسی کاظم علیه السلام، مادرش فاطمه دختر حسن اطروش از فرزندان و نسل امام علی علیه السلام و پدرش ابواحمد از بزرگان صاحب مقام و منزلت در زمان عباسیان و آل‌بویه که نقابت طالبیان در پنج نوبت به او واگذار شده است.

شریف رضی افتخاری است از افتخارات عترت طاهره و پیشوایی است از پیشوایان دانش و حدیث و ادبیات؛ کمتر کتابی که در ترجمه و بیان احوال علما یافت می‌شود که در آن ذکری از شریف رضی به میان نیامده باشد. بعضی دانشمندان نیز به‌طور مستقل درباره کتاب او نوشته‌اند^۱

علّامه امینی از چهارده استاد و نه شاگرد برجسته او نام برده است.

^۱ در این باره می‌توان به کتاب «تاریخ علمای ایران» اثر علامه امینی و «تاریخ علمای شیعه» اثر آیت‌الله العظمی خراسانی مراجعه کرد.

نهج البلاغه از آثار ماندگار اوست که در کنار قرآن مجید در خانه شیعیان وجود دارد. بیش از یکصد شرح تاکنون بر آن نوشته شده است.

سید شرف رضی در سال ۳۵۹ هـ به دنیا آمده و در سال ۴۰۶ هـ از دنیا رفته و در عمر کوتاه خود، آثار پربراری از خود باقی گذاشته است. از آن جمله است دیوانی دو جلدی که محشون از مدایح و مرثیاتی اهل بیت است.

غديره:

نطق اللسان عن الضمير و البشر عنوان البشير
و انجابت الظلماء عن وضح الصباح المستنير...
زبان از ژرفای دل، سخن گفت و چهره باز عنوان
مژده دهنده است و با درخشش و نور روز روشن، تاریکی
برطرف شد...

آن سرور و شادمانی ما که در روز غدیر رخ نمود، از میان
ما رفت؛ همان روزی که علی عليه السلام وصی و جانشین تعیین شد
و لقب امیر یافت...^۱

سی و هفتم: ابومحمد صوری

و از نیکان قرن چهارم که تا اوایل قرن پنجم می زیسته است و
اشعارش جامع زیبایی از الفاظ بزرگی و برتری معانی است.

۱. دیوان الشریف الرضی، ۴۲۷/۱.

صوری از شاعران و سرایندگانی است که به دامن اهل بیت عصمت، چنگ زده و در مدح و ثنا و رثای آنان فراوان شعر گفته است.^۱

غديره او :

ولائک خير ما تحت الضمير و انفس ما تمکن فی الصدور
اباحسن تبين غدر قوم لعهد الله من عهد الغدير...
یا علی! مهر و ولای تو بهترین امری است که در اعماق و
ژرفای دل نهفته و نفیس‌ترین راز پنهان در سینه است. من
همواره از آن مکنون دل و سر پوشیده، احساس گرمی می‌کنم
که حرارت آن همانند شعله سوزان است.
ای اباالحسن! برای من فریبکاری آن مردم نسبت به عهد و
پیمان روز غدیر آشکار گردید. در آن هنگام که پیامبر ﷺ به
سخنرانی ایستاد و مردم را به سوی امیر مؤمنان هدایت کرد. اما
همان روز غدیر، در سینه‌های آن‌ها کینه‌هایی پدید آمد که
همان جا آشکار کردند.

و در قصیده‌ای نونیه می‌سراید:

جحدتم موالاة مولیکم و یوم الغدير لها مؤمنونا...
موالات مولای خود را انکار کردید در حالی که در روز
غدیر نسبت به آن اظهار ایمان کردید و شما نسبت به آنچه

۱. تاریخ ابن‌کثیر، ۲/۲۵۰.

محمد مصطفی ابراز کرد و فضیلت علی را آشکارا بیان فرمود، معرفت نشان دادید و گفتید راضی شدیم، ولی دل‌هایتان رضا نداشت. کدامتان از او به آن مقام ولایت و جانشینی شایسته‌تر بودید و کدامتان به هنگامی که قصد جان پیامبر را داشتند، جان نثار پیامبر کرد و در رختخواب او آرامید؟

در قصیده‌ای دیگر:

مالم یکن من معشر غَدَروا و قد شهدوا الغدیرا...
چه نیرنگی از آن جماعت سر نزد در حالی که در غدیر حضور داشتند اما توطئه کردند که برخلاف نصّ غدیر، با سینه‌ای پر از عقده و کینه، برای خود امیر برگزیدند.
صوری در سال ۴۱۹ هـ در گذشته است.

سی‌وهشتم: مهیار دیلمی

ابوالحسن مهیار دیلمی از نشان‌های رفیع ادبیات عرب و از سرایندگانی است که اساس ادب را پی ریخته و کاخ آن را برافراشتند؛ او توسط شریف رضی اسلام را برگزید و در کنار او زیسته است.^۱

او به سال ۳۶۸ هـ متولد و به سال ۴۲۸ هـ وفات یافته است.^۲

۱. رک: دیوان مهیار دیلمن، مقدمه ناشر.

۲. تاریخ بغداد، ۲۷۶/۳

از مزایای مهیار آن است که برخلاف رسم شاعران معاصر، خلفای عباسی را هرگز نستوده با آنکه پس از سید رضی زمان زیادی در قید حیات بوده و نشان فرهنگی داشته است.

اشعار او بیشتر دربارهٔ اهل بیت پیامبر و مرثی آنان است و در شعرهای مذهبی او روانی منطق و برهان و استدلال، حاکم است. نمونه‌هایی از شعر و غدیریهای او:

و أسألهم یوم «خم» بعد ما عقدوا له الولاية لم خانوا و لم خلعوا...
از آنان پرس روز غدیر پس از آنکه پیمان بستند و ولایت علی را پذیرفتند، چرا خیانت کردند و او را کنار گذاشتند؟ بیعت روز غدیر که برای آل محمد علیهم السلام گرفته شده بود، تباه ساختند. گوینده‌ای به من گفت آیا علی علیه السلام که به نص، وارث پیامبر بود، صاحب این مقام گردید؛ یا از او دریغ ورزیدند؟ گفتم مسائلی است که از آن‌ها یاد نمی‌کنم. خدا آن جماعت را در برابر کردارشان جزا دهد. انکار مقام ولایت علی پس از اعتراف، جامه ننگینی بود که بر تن کردند و پس از انحراف از وصایت، به جان تو سوگند، آیین و دین دوّمی، آوردند.

در قصیده‌ای دیگر می‌سراید:

و تحال الأخمار^۱ و الله یدری کیف کانت یوم «غدير» الحال...
سرانجام نقاب‌ها کنار می‌روند و خدا داند که حال، در غدیر خم چگونه بود؟

۱. الأخمار: جمع خمر، نقاب.

و در قصیده دیگری نیز می‌سراید:

وهب «الغدیر» ابوا علیه قوله بغياً فقل عدواً سواه مساعياً
فرض کنیم آن جماعت، سخن رسول الله ﷺ را از روی
ستم و تجاوز نادیده گرفتند؛ اما کوشش‌های پیامبر اکرم در
نبرد بدر و احد و حنین و دیگر صحنه‌ها را چه می‌گویند؟ در
نبرد خیبر و مرحب و عمرو بن عبدود فکر کنید و ببندیشید.

و در قصیده‌ای دیگر:

و سماء مولی باقرار من لو اتبع الحق لم یجحد
پیامبر ﷺ او را مولا خواند و او بدان اعتراف کرد و اگر از
حق پیروی می‌کرد، منکر نمی‌شد.

و در ستایش علی علیه السلام می‌سراید:

ان یحسدوک فلفرط عجزهم فی المشكلات و لمافیک کمل...
از روی ناتوانی خود و کمالی که تو برخوردار بودی، به تو
حسد ورزیدند. تو داماد و پسرعموی او بودی و آن‌ها وصی و
جانشین برحق نبودند. علم رسول الله ﷺ را تو به ارث بردی.
آفتاب برای تو برگشت. ای صاحب حوض. فردا کسی که
مهر تو را در دل ندارد، از آن آب گوارا محروم و ممنوع باد...

سی‌ونهم: شریف مرتضی

ابوالقاسم سید مرتضی علم‌الهدی، برادر شریف رضی است.
تألیفات علمی او بالغ بر هشتادوپنج اثر می‌شود. قلم را نباید
سرزنش کرد اگر نتواند درباره عظمت وجودی سید مرتضی حق

مطلب را ادا کند و بر هیچ انسان صاحب کلام و سخن مبلغ نکوهشی نباشد، اگر نتواند درباره شخصیت او توسن زبان را به حرکت آورد، که دامنه فضائل و کمالات او بسی گسترده و پر اطراف است. بسیاری از صاحبان رجال کتابها در ستایش او نوشته‌اند که علامه امینی ۴۹ تن از آنان را یاد می‌کند.

علامه امینی رحمته الله در کتاب بزرگ الغدير از چندین استاد برجسته او نام برده، چنانکه از ده‌ها شاگرد نام‌آور او نیز یاد کرده است

ابوالعلا معری دانشمند معاصر او که در عراق درک فیض مجلس او نمود، به هنگام خروج از عراق در پاسخ به این پرسش که سید را چگونه دیدی؟ دو بیت به این مضمون می‌سراید: چون نزد او بیایی، همه مردم جهان را در یک مرد، و روزگار را در یک ساعت، و زمین گسترده را در یک اطاقی یکجا می‌بینی. سید مرتضی ریاست دین و دنیا را یکجا برعهده داشت. او به دانش فراوان دست یافته بود و خاندانی شریف و نسبتی عالی با اهل بیت داشت. خلفای وقت نقابت طالبیان و امارت حاجیان و تصدی مظالم را به او واگذار کرده بودند.

سید مرتضی را صاحب (هشتاد) می‌گفته‌اند؛ به این معنا که کتابخانه نفیس او دارای هشتاد هزار نسخه خطی بوده و محصول هشتاد روستای آباد برای او ارسال می‌شد. سید مرتضی هشتادواندی سال عمر کرد و کتابی به همین عنوان

«ثمانین» یعنی هشتاد نوشته است. او در سال ۳۵۵ هـ به دنیا آمد و در سال ۴۳۶ هـ دیده از جهان فرو بست.

غدیریه او:

اما الرسول فقد ابان ولاءه لوکان ینفع حایراً ان ینذرا
لقد شفی یوم الغدیر معاشراً ثلجت نفوسهم و أدوی معشرا
اما رسول خدا ﷺ آشکارا سخن از ولایت علی علیه السلام بیان داشت.
کاش ستمکاران کینه‌توز را هشداری می‌شد و سودی می‌بخشید. ای
سوار اگر از سرزمین نجف گذشتی، در آنجا کوهی می‌بینی که زمین
از او قرار گیرد، به او سلامی کن. من اگر می‌توانستم آن آرامگاه
درخشان را تا زنده‌ام اقامتگاه خود قرار می‌دادم.^۱

چهل: ابو علی بصیر نیشابوری

او از شعرای شیعه و اهل بیت پیامبر بوده است. غدیریه او
شش بیت است که علامه از سماوی نقل کرده است:

اختار یوم الغدیر حیدرة اخاه له فی الوری و آخاه...^۲
پیامبر ﷺ در روز غدیر، حیدر (علی) را در جمع اصحاب
برگزید و برادر خویش قرار داد و با آوردن او و همسرش و به
دنبال ایشان دو نوه‌اش، با مشرکان میاهله کرد و فرمود: اینان پنج
تن هستند که خدا به‌خاطر آنان بر خلق رحم می‌کند و
دعاهایشان را مستجاب می‌گرداند و به آمرزش گناهان امید است.

۱. دیوان سید مرتضی علم‌الهدی ۴۷۱/۱.

۲. الطلیعة فی شعراء شیعه.

چهل و یکم: ابوالعلا معری

ابوالعلا معری در سال ۳۶۳ هـ ولادت یافته و در ۴۴۹ هـ وفات یافته است.^۱

تراجم نگاران و شرح حال نویسان درباره او فراوان نوشته اند. شهرت او در حدی بی نیاز از بیان است. مقام ادبی او از دیوانش پیدا و بی نیاز از اقامه برهان است.

غذیریه او:

لعمرك ما اسرَّ بیوم فطرٍ و لا اضحی و لا بغدير خمٍّ
و كم ابدی تشییعه غویٍّ لأجل تنسب ببلاد قمٍّ
به جانت سوگند من نه در روز فطر، نه در روز اضحی، نه
در روز غدیر خم، شاد نیستم. چه بسا آدم گمراهی، تظاهر به
تشیع می کند تا خود را به قم منسوب بدارد. چه روشنایی که
چشم کور مادرزاد از آن بی بهره است و چه سخنی که گوش
ناشنوا آن را در نمی یابد و تباه می شود...^۲

چهل و دوم: مؤید فی الدین

هبة الله بن موسی شیرازی، مؤید فی الدین، از مبلغان بزرگ
فاطمیان و در علم و دانش و هنر یگانه دوران و تک دانه ای از
امت مسلمانان در زمان خویش و نابغه ای در ادبیات منظوم
بوده است که بهره فراوانی از شعر داشته است. علّامه

۱. کتاب الانصاف والتحری

۲. لزوم ما لا یلزم ۳۱۸/۲.

امینی رحمته الله در الغدیر بزرگ برخی آثار او را نام برده است و مناظره‌ها و گفت‌وگوهای عالمانه او دلیل مهارت او در معارف اسلامی است.

مؤید در سال ۳۹۰ هـ در شیراز زاده و در سال ۴۷۰ هـ در مصر وفات یافته است.

او غدیریه‌های متعدد با قافیه‌های مختلف دارد.

۱. قصیده شصت و هفت بیت: با قافیه لام....

لو ارادوا حقیقة الدین کانوا تبعاً للذی اقام الرسول
واتت فیه آیه النص «بلغ» یوم «خم» لَمَّا اتی جبرئیل...
اگر حقیقت دین را می‌خواستند از آن امامی پیروی
می‌کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان داد و او را به‌پا داشت و آیه
صریح «بلغ ما انزل الیک...» که در روز غدیر خم توسط
جبرئیل فرو آمد. او همان علی مرتضی است که قرآن به علو
و والایی‌اش ناطق است. او در میان مردم برهان خوبی
پروردگار و در روی زمین شمشیر آخته اوست. اهل بیت
پیامبر صلی الله علیه و آله ایمن از کوری و ضلالت و برای ما صراط مستقیم
و سایه گسترده‌اند.

۲. قصیده‌ای دیگر:

... وصی النبی المصطفی و ابن عمّه و من قام «مولى» فی الغدیر و والیا...
من به سبب آل طه تبعید و نفی شده‌ام و من هماره از
دشمنان آنان دوری گزیده‌ام. من نخستین تبعیدشده در راه

آنان نیستم. این افتخاری است برای من که دومین ابوذر غفاری باشم. اگر در این تبعید، گزندى به من رسد، باشد، در این دردسرها به بعضی آرمان‌هایم رسیده‌ام. گنبد و بارگاه سفید امیرالمؤمنین حیدر را زیارت کردم. او وصی رسول خدا، هادی مردم و جانشین محمد مصطفی و پسرعموی او بود. همان که در روز غدیر خم ولّی و مولی تعیین گردید.

۳. قصیده‌ای دیگر:

...و ما تقموا منهم غیران وصیّ النبی علیهم امیر
کما العذر فی غدرهم بعضهم لمن فرض الحب فيه الغدير...
شیعیان! خاندان رسول الله ﷺ از روی ظلم و عدوان کشته می‌شوند و مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند. گناه آنان چیست؟ جز اینکه وصی پیامبر برای ایشان امام و پیشوا است، هم‌چنان‌که پیشینیان نیز به انگیزه بغض آل‌الله به آنان خیانت کرده و مهر علی را که در غدیر خم فرض گردانیده بود، منکر شدند.

ای امت فاسد! شما حسین بن علی علیه السلام را برای دستیابی به سلطنت عراق کشتید. چرا امام موسی بن جعفر علیه السلام که سال‌ها در خاک آرمیده، مورد تعرض قرار دادید.

مؤید این قصیده را در آشوب سهمگین بغداد در سال ۴۳۳هـ سروده است و ضمن آن، احساس درون خود را از فجایع و جنایاتی که بر اهل بیت رفته است بیان می‌کند. مؤید

دارای آثار علمی نیز می‌باشد. علامه امینی رحمته الله علیه ۱۳ اثر از وی نام برده است!^۱

چهل و سوم: ابن جبری مصری (۴۲۰-۴۸۷)

او از شاعران قرن پنجم هجری است، که در عهد خلفای فاطمی در مصر می‌زیسته است. او قصیده‌ای یکصد بیتی دارد. علامه امینی آن را آورده است. در این قصیده مراتب ولایت موج می‌زند. برخی ابیات آن به قرار زیر است:

و غدرت بالعهد المؤکد عقده یوم «الغدير» له فما عذرک
أعن الوصی عدلت عادلة به من لا یساوی منه شمع شوک
عذر تو در شکستن آن پیمان همواره مؤکد روز «غدير»
چیست؟ و چه نیرنگی به کار بردی و از وصی چشم پوشیدی
و به کسی روی کردی که با بند کفش او هم برابری نتواند
کرد. خواهی دید که تو به دوران جاهلیت بازگشتی و درباره
ولایت حیدر «علی بن ابی طالب»، سؤال خواهی شد. اقیانوس
مواج علم و دانش را به شخص عاری از هر علم و دانش
قیاس کردی!

علامه امینی رحمته الله علیه از عذیریه سرایانی نام می‌برد که معاصر
قرن پنجم بوده‌اند. اما به دلیل نامعلوم بودن از بیان شرح حال
آنها صرف نظر کرده است.

۱. الکامل، ابن اثیر ۲۱۵/۹.

قرن ششم

چهل و چهارم: ابوالحسن فنمکردی

علی بن احمد فنمکردی نیشابوری، در سال ۴۳۳ هـ زاده شد و در سال ۵۱۳ هـ در گذشت. او از استادان پیشرو در ادب و لغت است. تراجم‌نگاران او را به داشتن علم و هنر ستوده‌اند. علامه امینی نیز غدیریه‌هایی از او آورده است.

لا تنکرَنَّ غدیرَ خَمٍّ آنَه کالشمس فی اشراقها بل اظهر...
غدیرخَمِّ را انکار مکن که مانند آفتاب درخشان، بلکه آشکارتر از خورشید است. واقعه‌ای که با سندی قوی از بهترین انسان‌ها نقل شده است، قابل انکار نیست. در آن حدیث (غدیر) امامت و جانشینی علی حیدر و جلالت او تا روز قیامت استوار گردید. سزاوارترین کسی که باید دوست داشت و بر ولایت او اقرار نمود، و احکام را باید از او آموخت.

وی در قصیده دیگری می‌سراید:

یوم الغدیر سوی العیدین لی عید یوم یسرّ به السادات و الصید
 نال الامامة فیه المرتضی وله فیه من الله تشریف و تمجید...
 روز غدیر برای من افزون بر آن دو عید (فطر و اضحی)،
 عیدی بزرگ است. روزی است که در آن همه سادات و
 سروان سربلند و شادمانند. در آن روز علی مرتضی به امامت
 رسید و خداوند برای او شرافت و مجد لحاظ کرد.
 «احمد»، بهترین رسولان، در روز غدیر در حضور همگان
 فرمود: سپاس خدا را، سپاسی بی پایان که تمام احسان از او و
 لطف نیکی ها برای اوست.

چهل و پنجم: ابن منیر طرابلسی

ابوالحسن احمد بن منیر ملقب به عین الزمان و مشهور به وفا،
 حافظ قرآن و یکی از پیشوایان ادبیات و در صنعت شعر در
 رتبه ای والا قرار دارد. او از کسانی است که درباره اهل بیت
 شعر بسیار و نیکو و قصیده های طلایی سروده است. او
 همچنین در لغت شناسی و سایر علوم هم تبخّر داشته است.
 همین امر نام و یاد او را جاویدان و حسد و کینه
 بدخواهان را علیه او برانگیخته است.^۱

او در سال ۴۷۳ هـ در طرابلس متولد شده و در ۵۴۸ هـ در
 حلب وفات یافته است.^۲

۱. تاریخ ابن عساکر ۹۷/۲.

۲. ابن خلکان.

غدیریه او :

پیشتر باید به داستان نظم این غدیریه پرداخت: ابن منیر یک هدیه همراه برده‌ای سیاه نزد سید مرتضی علم‌الهدی فرستاد. سید مرتضی به وی نوشت: اگر عددی کمتر از یک و رنگی برتر از سیاه سراغ داشتی آن را برای من می‌فرستادی!

ابن‌منیر سوگند یاد کرد که این‌بار بهترین هدایا را با عزیزترین کسانش بفرستد، پس هدایایی ارزشمند فراهم کرد و همراه با غلام خود به نام تَتر که بسیار دوستش می‌داشت و در مواقع غم و غصه، او را شاد می‌گرداند، فرستاد. سید مرتضی پنداشت که آن غلام نیز جزو هدایاست و او را نگاه داشت. حال ابن‌منیر سخت شد و از جدایی تَتر دلش گرفت و قصیده‌ای ساخت که بدان وسیله چاره‌جویی کند و غلامش تَتر را از سید بازپس بگیرد. ابن‌منیر در آن قصیده تهدید کرد که اگر غلام را پس ندهد از همه معتقدات و مسلمات تشیع دست خواهد کشید و عقیده ضدّ برخواهد گزید. وقتی سید این قصیده را خواند لبخندی زد و گفت غلامش را زیاد نگاه داشته‌ایم او معذور است آنگاه با هدایایی او را پس فرستاد پس جمله‌ها و فعل‌های منفی همه‌اش از باب ناز و دلال و راه جستن به دل سید بوده و چه لطیف سروده است.

... لَسِّنَ الشَّرِیفِ الْمَوْسَوِی ابْنُ الشَّرِیفِ ابْنِ مَضَر
 اَبَدِی الْجُحُودِ وَلَمْ یَرَدْ اَلِیَّ مَمْلُوکِی تَتَر...

اگر شریف سید مرتضی موسوی فرزند شریف ابی مضر به کارش ادامه دهد و بنده من تتر را پس نفرستد. من بنی امیه را دوست خواهم داشت و بیعت علی بن ابی طالب حیدر را منکر خواهم شد و به عمر عدول خواهم کرد و ظهور منتظر را هم قبول نخواهم داشت.

و اذا رَوُوا خبر «الغدیر» اقول ما صحّ الخبر...

و اگر حدیث خم را روایت کنند، خواهم گفت خبری صحیح نیست! و روز غدیر را عید نخواهم گرفت جامه های کهنه و فرسوده پوشیده و خواهم گفت در میان اصحاب شیخ، قبیله تیم، و پس از او صاحب او عمر مقدمند و اصلاً علی علیه السلام در راه اسلام شمشیر نکشیده و هرگز کسی فاطمه علیها السلام را از میراثش محروم نکرده و گویم یزید شراب نخورده و گناه مرتکب نشده و فرمان قتل اولاد فاطمه نداده است. در اصل شمر، حسین را نکشته و ابن سعد نیرنگ به کار نبرده است!... این قصیده دارای سی و نه بیت است.

چهل و ششم: قاضی ابن قادوس

قاضی جلال الدین ابوالفتح محمود فرزند قاضی اسماعیل دمیاطی مصری یکی از صرّافان ادب و بیان و از پیشتازان میدان شعر، برندگان در مسابقه شعر و کلام منظوم و از نویسندگان بلندپایگان مسند قضا و از علویان بوده است. وی به سال ۵۵۱ درگذشته است.

غديره او:

والحائز المقصيات فى يوم «الغدير» الازهر...
 ای سرور همه خلیفگان بیابانی (روستایی) و شهری. اگر ساقی
 حاجیان را بزرگ می‌دارند، تو ساقی کوثری، تو امام علی مرتضی؛
 تو در روز قیامت شفیع ما هستی تو مولی و برگزیده خدا «احمد»
 و پدر حسن و حسین هستی تو در روز درخشان غدیر، گویی
 پیش بردی و گوی سبقت را از دیگران ربودی. و تو بودی که
 آتش آشوب‌های بدر و بنی‌نضیر و خیبر را خاموش ساختی.

چهل و هفتم: ملک صالح

ملک صالح از شیعیان امامیه عراق است. خدا، دین و دنیا را
 برای او جمع کرده بود. او ضمن بهره‌مندی از علم و دانش،
 فقهی برجسته و صاحب شعر و ادیبی زیبا سخن بود و در
 عین حال از سلطنتی عادلانه نیز برخوردار بوده است. کتاب‌های
 تراجم در بیان سرایندگی او به این حقیقت اذعان دارند. ابن
 اثیر می‌نویسد: او در سال ۵۵۶ هـ در ماه رمضان به قتل رسیده
 است.^۱ ولادت ملک صالح در سال ۴۹۵ هـ بوده است. شرح
 حال ملک صالح در بسیاری از کتب رجالی آمده است که
 علامه امینی رحمته الله از ۱۶ اثر او نام می‌برد.

۱. الکامل، ابن اثیر ۱۰۳/۱: تاریخ ابن خلکان ۲۵۹/۱ و غیره.

علامه امینی رحمته الله اشعاری با مضمون مدح و رثای اهل بیت از وی نقل کرده است.

ولایتی لأمیر المؤمنین علی بها بلغت الذی ارجوه من املی
ان کان قد انکر الحساد رتبته فی جوده فتمسک یاخی به «هل»
با ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام به آرمان هایم رسیده ام. اگر
حسودان مقام و منزلت او را در وجود و بخشش انکار
می کنند، ای برادر! تو به سوره هل اتی، دست آویز.

غديره او:

و یوم «خَمّ» و قد قال النبی له بین الحضور و شالت عضده یدُه
من کنت مولا هذا له مولی اتانی به امر یؤکده
من کان یخذله فالله یخذله او کان یعضده فالله یعضده...
و روز غدیر خَمّ پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور همه با دست خود
بازوی او را گرفت و بالا برد و گفت هر که را من مولا بوده ام،
این (علی) مولای اوست. این فرمان با تأکید از سوی خدا آمده
است. هر کس او را خوار کند خدا وی را خوار می کند و هر
کس او را یاری نماید خدا وی را یاری فرماید.
سپس فضایی از علی علیه السلام را یاد کرده است.

در قصیده دوم :

و فی «الغدير» له الفضل الشهير بما نص النبی له فی مجمع حفل
در روز غدیر خَمّ برای او (علی بن ابی طالب) به سخن
صریح پیامبر در میان انبوه جمعیت، فضیلتی مشهور است.

قصیده سوم:

دارای چهل و چهار بیت است، نیز سروده است:
 اوصی النبی الیه لا الی احد سواه فی خمّ و الاصحاب فی علن
 فقال هذا وصییّ و الخلیفة من بعدی و ذوالعلم بالمفروض والسنن...
 پیامبر ﷺ در روز غدیر خم از میان همه اصحاب به او، نه به
 دیگری، وصیت کرد و فرمود: این (علی)، وصی و جانشین بعد
 از من است و علم و فرائض و سنن در نزد او است. همگان
 گفتند شنیدیم. اما وقتی که پیامبر رحلت کرد، فریب کاری کردند.
 در حالی که هنوز احمد پاک را به خاک نسپرده بودند.

در قصیده چهارم:

... و لعمری اذحلّ فی یوم خمّ لم یکن موصیاً لغير الوصیّ
 من شیعه امام علی ام با دشمنان او در جنگ و با دوستانش
 در صلح هستم.
 من شیعه آن امامی هستم که در طول عمرش بر منکری
 نیل نکرد. من بنده صاحب حوض هستم که دوستانش را با
 کاسه آب گوارا سیراب می کند.
 من بنده آن انسانی هستم که هر مشکلی را آسان و آشکار کرد،
 هرچند به نظر سخت و لاینحل می نمود. آن روزی که پیامبر ﷺ
 بدون تردید او را به برادری برگزید. به خدا سوگند در «لیلة المبیت»
 رختخواب، کسی جز علی برای پیامبر ﷺ جان نثاری نکرد.
 و به جانم سوگند وقتی وارد غدیر خم شد در آن روز به
 احدی جز او وصیت نفرمود.

چهل و هشتم: ابن عودی نیلی

ابوالمعانی سالم بن علی از شاعرانی است که اشعارشان مشهور، اما اخبارشان ناگفته مانده است. او ستاره‌ای از ستارگان آسمان ادب و همانند حمیری و دیگر شاعران اهل بیت، اشعار مذهبی‌اش فراوان است. نیلی در سال ۴۷۸ هـ تولد و در سال ۵۸۸ هـ وفات یافت. او غديره مفصلی بالغ بر یکصد و پنجاه بیت دارد که علامه امینی رحمته الله آن را در الغدير بزرگ آورده است و آن قصیده درواقع مشحون از تاریخ و سیره و کلام است. به چند بیت از آن اشاره می‌شود:

... و قد نصّها يوم «الغدير» محمد و قال الا ايها الناس فاعلموا
فقد جائني في النصّ: بلغ رسائي و ها انا في تبليغها المتكلم
عليّ وصيّ فاتبعوه فانّه إمامكم بعدى اذا غبت عنكم

محمد عليه السلام ولایت علی عليه السلام را در روز غدیر خمّ تصریح کرد و فرمود: ای مردم بدانید در این خصوص، نص و آیه‌ای صریح آمد که من رسالت خود را انجام دهم و اکنون در تبلیغ آن سخن می‌گویم. علی وصی و جانشین من است، پیرو او باشید که پس از من، او پیشوا و امام شماست. آن روز گفتند: خشنودیم اما فردای آن روز گمراه گشتند و بیراهه رفتند. گفتم شما ای جماعت! خطا رفتید چگونه وصی محمد مصطفی مورد ستم قرار می‌گیرد. اما پیمان شکسته شد و خون‌ها جاری گردید.

قصیده‌ای دیگر:

نص الولاية و الخلافة بعده يوم الغدير له برغم اللوم...
نص صريح ولايت و خلافت و جانشینی در روز
غدير خم، علی‌رغم حرکت نکوهش‌گران، برای علی (علیه السلام) بود.
پیامبر هادی در آن روز دست به دعا برداشت و آمین گفت که
پروردگارا! گواه باش. من پیام تو را رساندم. اما رسول‌الله
دست از جهان شست، آن جماعت، مانند مگسان گرد
شیرینی، اطراف دیگری را گرفتند. آنانی که به زبان، مسلمان
شده بودند؛ اما در دل ایمان نداشتند، پیمان شکستند و
حکومت را میان خود تقسیم کردند.

چهل و نهم: قاضی جلیس

عبدالعزیز بن حسین معروف به قاضی جلیس از شاعران و
کاتبان پیشرو در مصر و از ندیمان و هم‌صحبتان ملک صالح
بوده است.

علامه امینی رحمته الله در الغدير قصایدی نسبتاً طولانی در مدح
امیر المؤمنان و رثای پنجمین آل‌عبا آورده است. ما نیز چند
بیتی را زینت‌بخش صفحات کتاب می‌کنیم:

پدرشان وصی و جانشین محمد مصطفی است که وارث
علم و دانش پیامبر شد. ستون دین و شرع را پس از آنکه به
کثری افتاد، راست کرد و پایه دین را که فرو می‌ریخت، استوار

ساخت. پیامبر ﷺ او را مولای مسلمانان خواند؛ لیکن برخی حسودان برنتافتند.

و لوی غدیره «الغدیر» بحقه و اعقبه البعیر و اتبعوا...
در روز غدیر خمّ فریب و نیرنگ‌بازی را در دل خود نگاه
داشتند و در روز جمل آن را دنبال کردند.

در قصیده دوم:

جحدوه عقد ولایة قد غرّ جاحده الغرور
غدروا به حسداً و بنصّه شهد «الغدیر»...
پیمان ولایت او را برخی مغروران، انکار کردند و از روی
حسد، و با وجود نص و حضور شاهدان بسیار، نیرنگ‌بازی
نمودند و آن افتخاری را که خدا و رسول مختص او گردانده
بودند، از وی دریغ کردند.
ای امت! اگر یهود با گوساله گمراه شدند شما هم با شتر
گمراه گشتید...

در قصیده سوم:

... نصّ النبی علیه فی «الغدیر» فما زواه إلا ظنین دینه واه
مهر من به آل رسول، مرا از هر گناهی باز می‌دارد، که آنان
ذخیره و آبروی من هستند. ای شیعیان حق، وفادار باشید و
بدان وسیله برای هرکه بخواهید فخر و مباهات کنید. اگر من
به ریسمان ابی‌الحسن چنگ زنم، به ریسمان الهی چنگ زده‌ام.
او همسر بتول است که اگر نبود، پیشوایان هادی نیز نبودند.

پیامبر ﷺ در روز غدیر بانص و صراحت او را خلیفه معرفی کرد، آن را نادیده نگرفت مگر آن بی‌ایمانی که دینش، سست و بی‌اساس بود... او به سال ۵۶۱ درگذشت.

پنجاه: ابن مکی نیلی

سعید بن احمد مکی نیلی مؤدب از سرشناسان شیعه و شاعران زیباکلام و فانی در مهر و محبت اهل بیت عصمت و طهارت است. ابن مکی در مذهب خود ثابت قدم بود و در مدح و ستایش خاندان رسول ﷺ شعر فراوان سروده و حقایق را به زبان نظم کشیده است. به همین سبب او را غالی دانسته‌اند، در حالی که او انسانی بسیار معتدل بوده است.

غذیریه ۹۰:

ألم تعلموا أنّ النبی محمداً حیدرة اوصی و لم یسکن الرمسا
و قال لهم و القوم فی «خَم» حضر ویتلو الذی فیہ و قد همسوا همسا...
آیا ندانستید که محمد پیامبر ﷺ هنوز از دنیا نرفته بود در
غدیر خم، به علی حیدر وصیت کرد و او را در حضور آن
جماعت، جانشین خود معرفی فرمود؛ در حالی که برخی با
یکدیگر، آرام صحبت می‌کردند. پیامبر ﷺ فرمود: علی نسبت
به من همانند دگمه پیراهن من است، و همانند هارون نسبت
به موسی مرا یاری‌کننده می‌باشد...
ابن مکی در سال ۵۶۵ هـ وفات کرده است.

پنجاه و یکم: فطیب خوارزمی

حافظ ابو مؤید مشهور به اخطب خوارزم، فقیهی دانشمند، حافظ نامی، محدث صاحب اسناد مختلف، سخنور پرآوازه، متکلم و آگاه از سیره و تاریخ، شاعری ادیب بوده است. علامه امینی رحمته الله سی و پنج تن از مشایخ روائی او را نام برده است، چنان که از شاگردان برجسته اش نیز یاد کرده به آثار تألیفی او از جمله المناقب هم اشارت دارد.

غديره ۹۱:

... حدیث براءة و غدیر خمّ و رایة خیر فصل الخطاب...
آیا بر روی زمین خاکی پیشوای پاک و جوانمردی مانند ابوتراب وجود دارد؟ حدیث اعلام برائت از مشرکین و ولایت در غدیر خمّ و حدیث پرچم در خیر، آخرین سخن اند. پیامبر و علی علیه السلام مانند موسی و هارون اند. همه مردم پوستند و علی مگر است و ولایت او مانند گردن بندی بر گردن همه آویخته است.

خطیب خوارزمی در سال ۴۸۴ هـ متولد و در ۵۶۸ هـ درگذشته است.

پنجاه و دوم: فقیه عماره یمنی

فقیه نجم الدین ابو محمد عماره از فقهای شیعه امامیه و از مدرسان و مؤلفان که در راه تشیع شهید شده است. او آراسته

به علم، فضل، هنر، ادب و شعر می‌باشد. آنگاه که او شعر می‌سراید، تو نمی‌دانی آیا او مروارید در نخ می‌چیند و یا زر ناب در قالب موزون می‌ریزد!

فقیه عماره دارای تألیفات علمی و ادبی است که علّامه امینی به چهارده مورد آن اشاره دارد. کتاب «النکت العصرية فی اخبار الوزراء المصرية» حاوی تاریخ و ادب است. عماره در سال ۵۱۳ هـ متولد و در ۵۶۹ هـ به قتل رسیده است.

غديره او:

ولائک مفروض علی کل مسلم و حبک مفروط و افضل مغنم
ولای تو بر هر مسلمانی، فرض و واجب است و محبت
تو بهترین غنیمت می‌باشد.

و الارض تهتزّ فی يوم الغدير کما تهترّ ماین قصریک من الاسل
و زیمن در روز غدیر تکان می‌خورد آن‌گونه که میانه دو
قصر شما در برخورد نیزه‌ها و شمشیرها می‌لرزد.

پنجاه و سوم: سید محمد اقساسی

او از فرزندان و نسل زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) است. خاندان اقساسی در اصل، از خاندان بزرگ علویان‌اند، که در روستا یا منطقه‌ای از کوفه سکنی داشته‌اند و دارای شاخه‌های فراوان از نسل رسول خدا هستند. در میان آن‌ها

افراد فقیه، شاعر، لغوی، امیر، محدث و دانشمند نیز پدید آمده‌اند.

سید محمد اقساسی در سال ۵۷۵ هـ درگذشته و آثاری از او باقی است.

غدیری۹۱:

ومن قام فی يوم «الغدیر» بعضده نبی الهدی حقاً فاسئل به عمر
و صهر رسوا الله فی بنته التی علی فضلها انزل الآی و السور...
سوگند به حق، علی علیه السلام پس از پیامبر بهترین انسانی است
که پس از پیامبر بر زمین گام نهاد و افتخارآمیزترین بندگان
است. او خلیفه و جانشین برحق پیامبر و وارث دانش است
که به وسیله آن‌ها مضر و عدنان شرف پیدا کرده‌اند.
آن کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر، بازوی او را گرفت و
بلند کرد. اگر می‌خواهی از عمر پرس. علی علیه السلام همان
شخصی است که همه بت‌ها را شکست و از سرانجام آن
نهراسید و در حالی که دیگران زمانی طولانی بت می‌پرستیدند.
او همان داماد رسول الله است و همسر دخترش آن بانوی
بافضیلتی که آیه‌ها و سوره در شأن او نزول یافته است...

پنجاه و چهارم: قطب‌الدین راوندی

قطب‌الدین ابوالحسن سعدبن هبة الله راوندی، از پیشوایان و
بزرگان مذهب شیعه و چشم و چراغ طائفه محقه و یگانه‌ای

از استادان فقه و حدیث و نابغه‌ای از مردان میدان دانش و ادب بوده که کمتر کسی به گردپای او رسیده است. علامه امینی بیست و چهار تن از مشایخ او را نام برده و تنی چند هم از شاگردانش را یاد کرده و تعدادی از تألیفات وی را برشمرده است. قطب راوندی در سال ۵۷۳ هـ درگذشته و در جوار حضرت معصومه در قم دفن شده است.

غدیریه ۹۱:

... تناسوا ما مضی بغدیر خم فادرکهم بشقوتهم هبوط...
فرزندان زهرا (علیها السلام) پدران یتیمانند و وقتی نابخردان با ایشان برخورد کنند. سلام گویند. آنان حجت‌های خدا بر خلقتند و هر که با آنها دشمنی ورزد گناهکار است.
روزهایشان، روزه و شب‌هایشان با عبادت و تهجد سپری شده است.

ألم يجعل رسول الله يوم الغدير علياً ألعلى اماما...
آیا رسول خدا او را در روز غدیر خم، امام و پیشوا معرفی نکرد؟ آیا حیدر (علیه السلام) آقا و سرور نبود. و آیا حیدر بهترین جایگاه را ندارد؟

دیگران، آنچه را که در غدیر خم گذشته، فراموش کردند و به سبب همین شقاوت، سقوط کردند.

پنجاه و پنجم: سبط ابن تعاونی

محمد بن عبدالله بغدادی معروف به ابن تعاونی به سال ۵۱۹ هـ متولد و ۴۱۶ هـ درگذشته است.

نامبرده از شاعران برجسته شیعه و از یگانه نویسندگان و منشیانی است که خطه عراق با ادبیات شعری آنان خرم و با آثار ادبی شان شاداب است.

غديره او:

... و طویت الاحزان فیه و لم اُبدَ سروراً فی یوم عید الغدير
طومار غم و اندوه را در او پیچیدم و هرگز در روز غدیر
سرور و شادی آشکار نکردم... او در این قصیده هایش همانند
قصیده ابن منیر (تتریه) به شیوه ضلال و دلال با ممدوح خود
به سخن پرداخته و معانی مقلوب مطرح ساخته است.

قرن هفتم

پنجاه و هشتم: منصور بالله

ابوالحسن منصور بالله از سادات حسنی و یکی از پیشوایان زندیه در سرزمین یمن بوده است که شرافت خانوادگی را با برتری‌های اکتسابی، همراه ساخته و به علم و دانش آراسته بود. او فضیلت قلم و سلحشوری را یکجا گرد آورده و پیشوای مذهبی در یمن گشته است. او در زمره شاعران، بلکه شاعرترین مبلغان آن مذهب در آن خطه به‌شمار است. نامبرده در سال ۵۶۱ هـ به دنیا آمده و در سال ۶۱۴ هـ از دنیا رفته است.

علامه امینی بیست و پنج اثر از وی، در موضوعات فقه، اصول، کلام، حدیث، مذهب، و ادب را ذکر می‌کند.

غديرته او:

بنی عنما ان یوم الغدير یشهد للفارس المعلم
ابونا علی وصی الرسول و من خصّه باللّوا الاعظم...

ای پسر عموها! روز غدیر گواه سواری نشاندار است. پدر ما علی ابن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین رسول خدا است، که به لوا و پرچم بزرگ، مخصوص گشته است. شما اگر با انتساب به او، توسط ابن عباس فخر می فروشید، ما از گوشت و خون او هستیم.

فعدن عن منازل و التصابی و هات لنا حدیث «غديرخم»
از منزلت‌ها و سخنان کودکانه در گذر و برای ما از حدیث
غديرخم سخن بگو.
شاعر، در این قصیده با بنی عباس و شاعران آنان، طرف
است.

پنجاه و هفتم: محمدالدین ابن جمیل

ابو عبدالله محمد بن منصور جمیل جبائی (م: ۶۱۶)، نویسنده، شاعر و ادیب ماهری بود. برای او در لغت، ادب و هنر و شعر، مقامی بلند است. او در زمان «الناصر» به پست خزانهداری، که مانند وزارت دارایی امروزه بود، رسید. ولی مبعوض شد و به مدت بیست سال زندانی گردید و شفاعت اکابر دولت مفید واقع نشد. سرانجام به یاد آورد که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را مدیحه سراید و چنان کرد و خوابید. علی علیه السلام در رؤیا به او فرمود: هم اکنون از حبس آزاد می شوی. او بیدار شد و باروبنه اش را بست و به حاضران گفت من الان آزاد می شوم. زندانیان در شگفت بودند

که بیچاره عقلش را از دست داده است. لیکن هم‌زمان، ناصر هم، چنان رؤیایی دیده و امیرالمومنین سه‌بار تأکید کرده بود که مجدالدین را آزاد کن. علامه امینی رحمته الله علیه قصه را به تفصیل از چند نسخه خطی حکایت کرده است. این مدیحه همین غدیریّه اوست.

غدیریّه او:

... و من اعطاه يوم «غدیرخم» صریح‌المجد و الشرف القدامی...
و علی آن کسی است که پیامبر در روز غدیرخمّ مجد خالص و شرف کهن به او داد و او همان بزرگواری است که خورشید برای او برگردانده شد، پس از آنکه تاریکی فضا را پوشانده بود. او بود که از خودگذشتگی کرد و سه بار پیایی طعام خود را که قرص نان جوینی بود، بخشید و خود با نمک خالی، گذراند. ای اباحسن! تو جوانمردی هستی که هر پناه‌جویی تو را بخواند پناهش دهی.

پنجاه‌هشتم: شَوْء کوفی مَلّی

ابوالحسن یوسف‌بن اسماعیل کوفی حلبی از نابغه‌های شعر و ادب بوده و فضیلت‌ها از هر سو به او رو آورده بود. دوست او ابن خلکان به شرح احوال او پرداخته و دیگران هم از بیان خوبی‌ها و هنرهایش باز نمانده‌اند، شَوْء در صنعت عروض و قافیه مهارت تمام داشته و مجموعه سروده‌های او در چهار

مجلد می‌گنجد. تاریخ ولادت او را به ۵۶۲ هـ و وفاتش را سال ۶۳۵ هـ نوشته‌اند.

غديره او:

... اخو النصّ الجلیّ بیوم «خَم» و ذوالفضل المرتّل فی الکتاب من، آن کسی را که وصیّ و جانشین محمد (ص) را دوست بدارد، از عذاب دوزخ ضمانت می‌کنم؛ که در آن روز پروردگار را بخشنده و آمرزنده و علی را شفاعت‌کننده خواهد دید.

[علی] جوانمردی که کرم و اُبّهتاش از کرانه‌ها گذشته پناهگاهی محکم و محضری سبز و پرناز و نعمت دارد. هر گاه در راه خدا شمشیر برکشد، آن تیغ در برابر ابرها برق زند. او وصی و جانشین محمد مصطفی و پدر فرزندان اوست، و در میان اصحاب، تنها او افتخار همسری فاطمه پاک را دارد و بس؛ و او برادر [پیامبر] به نصّ صریح غدیر است که فضائلش در قرآن تلاوت می‌شود.

پنجاه و نهم: کمال الدین شافعی

ابوسالم کمال الدین محمد بن طلحه در گذشته به سال ۶۵۲ هـ پیشوا در فقه شافعی، آشنا به حدیث و اصول و مسائل خلاقی است. او در نیشابور حدیث می‌شنیده و سپس در مدرسه

امینیّه دمشق، اقامت گزید و ملک ناصر، حاکم دمشق، برای او حکم وزارت نوشت، لیکن او نپذیرفت.

کمال‌الدین اشعار فراوانی درباره اهل‌بیت دارد که زینت‌بخش کتب است. کتاب مطالب السؤل، که مدایح و فضایل اهل‌بیت را دربردارد، از اوست. اربلی، معاصر او، در کشف الغمه، وی را ستوده است. اشعار او در ادبیات دینی می‌درخشد.

علّامه امینی رحمته الله پنج اثر وی را نام برده است.

غدیریّه:

... و شرفه یوم «الغدیر» فخصّه بانک مولی کل من کنت موله
و لو لم یکن الا قضیه خیبر کفت شرفاً فی مآثرات سجایاه
و روز غدیر او را شرف بخشید و به‌طور خاص به او
فرمود: تو مولای کسانی هستی که من مولای آنها هستم. اگر
برای او جز ماجرای خیبر نبود، در اخلاق و خصلت‌های
پسندیده‌اش، کافی بود.

شصت: ابومحمد منصور بالله

حسن‌بن محمد یمنی، از پیشوایان بزرگ شیعیان زیدیه در سرزمین یمن است. یگانه‌ای از سرشناسان بزرگ آنها که در میدان دانش حدیث و فنون مناظر آن، برای او دایره‌هایی با شعاع بزرگ و گام‌هایی وسیع و گسترده وجود دارد.

ابومحمد در سال ۵۹۶ هـ متولد و در سال ۶۷۰ هـ درگذشته است.^۱ از جمله آثار او ارجوزه ای است طولانی در هفتصد و هشت بیت از آن را برگزیده ایم:

و قال فيه المصطفى انت الوليَّ و مثله انت الوزير و الوصيَّ
و کم قال له: انت اخي فايهم قال له مثل علي؟
و هل سمعت بحديث مولي يوم «الغدیر» و الصحيح اولي
الم يقل فيه الرسول مولا لم يبق للمخالفين حولا...
محمد مصطفی درباره او جمله‌های «انت الولی»، «انت
الوزیر» و «انت الوصی» و «انت اخي» بیان فرمود و به چه
کس همانند علی این گونه فرموده است؟

آیا حدیث مولی را در روز غدیر شنیده‌ای؟ آیا رسول خدا
در آن حدیث سخنی نگفت که راه و چاه را بر مخالفان
بست؟ مراد از «مولی» اولی و سزاوار است.
او در این ارجوزه تمام مناقب و فضائل علی عليه السلام را که در
قرآن و احادیث معتبر آمده، برشمرده است. خدا به او پاداش
دهد.

شمت و یکم: ابومسین جزار

یحیی بن عبدالعظیم ابوالحسین جزار مصری از شاعران
فراموش شده شیعه است. گرچه در کتب سلف و معجم‌ها
شرح حال او ذکر نشده یا کمتر آورده‌اند، لیکن در عوض،

۱. وفات او در شهر رغافه از شهرهای صعده اتفاق افتاده است.

خود او شرح احوال مفصل را به قلم آورده و ابعاد هنر و فضل خویش را در آن نمودار ساخته است.

نامبرده در سال ۶۰۱ هـ متولد و در ۶۷۲ هـ در مصر وفات یافته است. علّامه امینی رحمته الله علیه غدیریه او را از یک نسخه کهن خطی با طول و تفصیل آورده و ما چند بیت از آن را زینت بخش کتاب می کنیم.

یَهْنِیکَ یا صهر النبی محمد صلی الله علیه و آله یوم به للطّیین هزیز
انت المقدّم فی الخلافة مالها عن نحو مابک فی الوری تبریز
صبّ الغدیر علی الّألی جحدوا لظی یوعی لها قبل القیام ازیز
ان یهمزوا فی قول احمد انت مولی للوری فالهامز المهموز
ای داماد محمد پیامبر خدا ای علی مبارک باد تو را روزی
که برای پاکان روز نشاط انگیز است.

در امر خلافت و جانشینی، تو مقدّم هستی و شرایط آن
جز در تو بروز و ظهور نداشت.

غدیر بر سر منکران آتش ریخت تا به امت قیام نکرده،
همچون آب دیگ جوشان برایشان می جوشد.

اگر در کلام احمد پیامبر صلی الله علیه و آله که به تو فرمود: «ای علی تو
مولا و امام مردم هستی» عیب گرفتند عیب جو، خود عیب ناک
است.

شصت و دوم: قاضی نظام الدین

نظام الدین محمد بن قاضی القضاات اسحاق بن مظهر اصفهانی، یکی از ادبای اعیان طائفه امامیه و یگانه در انواع فنون و هنرها و قاضی القضاات عراق است، که در سال ۶۷۸ هـ وفات یافته است.

غديره:

غديره او چهل و دو بیت است که علامه امینی رحمته الله پانزده بیت آن را در الغدير بزرگ آورده و از آن جمله است:

يوم الغدير جرى الوادي فطمّ عليّ قوَى قوم هُم كانوا المعادين...
 در روز غدیر در بیابان، سیلی توانمند راه افتاد که قومی از دشمنان ما را فراگرفت و در زمین پاکیزه ولایت دو شاخه گل و ریحان شکوفه زدند و رشد کردند.

مراد از باران جاری حدیث غدیر است که دشمن آن را برنافت.

شصت و سوم: شمس الدین ممقوڑ

او مرکز دایره فقاہت و بر قلّه های بلند علم و ادب، قرار گرفته است. او از کسانی است که بر اریکه زعامت و ریاست دینی، تکیه زده و دارای مرجعیّت فتوایی و گره گشایی مشکلات مردم در دعاوی، و دادگر و دادگستر و پناهگاه درماندگان بوده است.

محفوظ هم دوره با محقق حلی بود. میان آن دو نامه‌های ادیبانه و منظوم ردوبدل شده است. آل محفوظ در سوریه و عراق نسلی صالح و ماندگار دارند. استاد حسین علی محفوظ در تراجم سرشناسان و اعلام خاندانش، رساله‌ای ویژه نگاشته است. شیخ شمس‌الدین محمود حدود سال ۶۹۰ هجری درگذشته است.

غديره:

ذاک الأمير لدی الغدير اخو البشير المستنير و من له الأنباء...
 اوست امير منصوب در غديرخم، برادر پیامبر بشير و روشنگر و کسی است که خبرها برای او است.
 او نیاکانی پاک و فرزندانی پاکیزه دارد؛ آیا توصیف‌گران می‌توانند به ابعاد مدح و ثنای او دست یابند در حالی که قرآن مدح او را گفته است. او همسری مثل فاطمه داشت که انوارش فراگیر بود بدین جهت زهرا نامیده شد و پیشوایان و امامان از نسل او که مایه سیادت پسینیان و عزت و شرف پیشینیانند و...
 آنگاه او یکایک امامان معصوم تا حضرت قائم علیه السلام را نام می‌برد.

شمت و چهارم: بهاء الدين اربلى

بهاء الدين ابوالحسن على ابى الفتح اربلى ساکن و مدفون در بغداد، از ستارگان درخشان آسمان علم و فضيلت در قرن هفتم بوده و صاحب اثر جاويدان «كشف الغمه فى معرفة الائمة» مى باشد. اين کتاب در تاريخ زندگانی و بيان فضائل و مناقب عترت است. كشف الغمه محتوی احاديث گران بهایی است. او خود از محدثان بزرگوار بوده است.

اربلى در هنر شعر نیز ید طولائی داشته و در ستایش و مدح امامان سروده ها دارد.

علامه امینی رحمته الله ۶ نفر از اساتید و مشایخ را ذکر کرده است.

همچنین ۱۵ تن از کسانی که از وی روایت کرده اند، را نام مى برد.

غديره:

حسدوه على مآثر شتى و كفاهم حقداً عليه الغدير...
حسد بردند به او به سبب فضائل و برتری هایش، در
کینه ورزی دشمنان به او، حديث و ماجرای «غدير خم» کافی
است.

قرن هشتم

شصت و پنجم: ابومحمد ابن داود ملی

ابومحمد تقی الدین علی بن داود حلّی، نابغه فقه، حدیث، رجال، علوم و فنون متفرقه است، بی تردید او از یگانه‌های فرقه ناجیه و از علمای سرشناس امامیه است. کتاب رجال او، در شناخت راویان، از کتاب‌های مرجع می‌باشد. او به سال ۶۴۷ در حله به دنیا آمد.

او نزد سید احمد بن طاووس حلّی دانش آموخته، و از طریق استاد سرشناسی دیگر نقل روایت کرده است. نامبرده در سال ۷۴۱ هـ و در سن ۹۴ سالگی رخت از جهان بربست. علامه حلّی دارای آثار گران قدری است که ۲۹ اثر می‌باشد.

غذیریه ابن داود:

و اذا نظرت الی خطاب محمد	یوم «الغذیر» اذا استقرّ المنزل
من کنت مولاہ فهذا «حیدر»	مولاہ لا یرتاب فیہ محصل
لعرفت نص المصطفی بخلافه	من بعده غراء لا یتأول

و اگر سخنرانی درخشان محمد عليه السلام که پس از استقرار در غدیر خم ایراد فرمود: «هر که را من مولای او بوده‌ام این حیدر مولای اوست و هیچ حق جویی در آن تردید نمی‌کند.» نظر و دقت کنی می‌شناسی که حضرت مصطفی به خلافت و جانشینی بعد از خود تصریح کرده و در آن، جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست. او در ارجوزه مفصل بالغ بر ۶۸ بیت حقایق بسیاری را آشکار کرده است:

لأنّی اعلم مثل الشمس نصّ الغدير واضحاً عن لبس
که من می‌دانم و برایم مانند آفتاب روشن است که در
نصّ غدیر، هیچ ابهامی وجود ندارد

شصت و هشتم: جمال الدین خلطی یا خلّعی

ابو الحسن جمال الدین موصلی خلّی شاعری شکافنده معانی باریک و از ستایشگران اهل بیت است. شگفت آنکه او نیز همانند حمیری، از پدر و مادر ناصبی متولد شده و علّامه امینی رحمته الله قصّه نذر مادر او را به تفصیل آورده است.^۱

غذیره:

یورد ما جا فی «الغدیر» و ما حدث فیهِ عن خاتم النذر...
آنچه را از پیامبر، خاتم انذارکنندگان، در غدیر آمده،
روایت می‌کند.

۱. الغدیر، ۹/۶.

آیا من، از خود شما به شما سزاوارتر نیستم؟ هرکه را من مولای او بوده‌ام، اینک حیدر مولای اوست و به دنبال من است. قومی عید غدیر را انکار کردند.

حَبَّذا یوم الغدیر یوم عید و سرور...
روز غدیر ختم روز عید و شادی است و چه روزی! که مصطفی صلی الله علیه و آله بهترین را امیر شناسانده و فرمود: این وصی من در حضور و غیاب من می‌باشد...

شصت و هفتم: سریجی اوالی

سید عزیزبن محمد حسینی، مردی ادیب، فاضل، جامع و شاعری برجسته بوده است. او در بصره به سال ۷۵ هـ وفات یافته است.

غدیریه اوالی:

و فی «الغدیر» و قد ابدی النبی له مناقباً ارغمت ذالبغضة الشانی
اذ قال من کنت مولاه فانت له مولی به الله یهدی کل حیران...
در روز غدیر ختم پیامبر برای علی مناقبی آشکارا بیان فرمود که بینی دشمن بدخواه به خاک مالیده شده آنگاه که گفت: هرکه را که من مولای او بوده‌ام تو مولا و امام او هستی. خدا بدین وسیله هر انسان گمراه را هدایت فرماید.

کیست جز او (علی) که دانش غیبی داشته و بگوید:
پرسید از من قبل از آنکه مرا از دست بدهید و باز نیابید؛ و
کیست جز او که در حرم خدای رحمان ولادت یافت...

شاعر در این قصیده، بخشی از فضائل مولای ما علی
امیرالمؤمنین را، ضمن آنکه به امر ولادت علی در جوف کعبه
اشارت کرده، برشمرده است. علامه به ذکر منابع فراوان
حدیثی و تاریخی آن از طریق شیعه و سنت، بالغ بر ده کتاب
پرداخته، از جمله به کتاب ارزشمند محقق نجف اشرف
محمدعلی اردوباری به نام «ولید کعبه» نیز اشارت نموده است.

شصت و هشت: صفی الدین مَلّی

صفی الدین بن عبدالعزیز سنّسی از شاعران طراز اوّل عرب
است، که الفاظ سنگین و متین و معانی دقیق و مضامین
شریف را در اشعارش جمع کرده و در یک سخن، اشعار او
محسنات لفظی و مزایای معنوی را درهم آمیخته است.
بسیاری از علما صفی الدین را به عظمت یاد کرده و جایگاه او
را در هنر شعر و ادب بالا دانسته‌اند. علامه امینی رحمته الله هم به
آثار گونه‌گون او اشارت دارد.

غديره:

و علی ابن عمّک وارث العلم الذی ذلّت لِسْطوۃُ بَأْسِه الشَّجْعَانِ
و اخیک فی یوم «الغدير» و قد بدی نورالهدی و تأخت الأفران

شاعر در این قصیده پنجاه و هفت بیتی، پیامبر اعظم را مخاطب ساخته و ستایش کرده و آنگاه به بیان فضائل علی و فضیلت غدیر پرداخته است:

و سلام بر پسر عموی تو، وارث دانش تو، همان که دلیران از صلابت و شکوهش بر خاک ذلت افتادند و رام گشتند، و برادر تو، در روز غدیر خم نور هدایت ولایت در سیمایش هویدا شد و خدای رحمان به وسیله او مردم را راهنمایی فرمود.

در جای دیگر گوید:

علی و فرزندان او را دوست داشته باش که در روز قیامت و صحنه‌های هولناک آن رهایی خواهی یافت. همان علی که در روز غدیر خم، به نص پیامبر و سخن صریح او، امامتش تثبیت شد.

امام له عقد یوم الغدير بنصّ النبّی و اقواله پیشوایی که در روز غدیر خم با سخن صریح و دیگر کلمات او، برایش پیمان ولایت بسته شد. صفی‌الدین در سال ۶۷۷ هـ ولادت و در سال ۷۵۲ هـ وفات یافته است.

شصت و نهم: امام شیبانی شافعی

محمد بن احمد اسوانی اسکندرانی، محدث، فقیه و مفتی شافعی بود. در سال ۷۰۳ قمری به دنیا آمد. گرچه به شاعریّت توصیف نشده، لیکن قصیده بزرگی دارد که در کشف‌الظنون

از آن یاد شده و جمعی از سرشناسان شافعی نیز آن را شرح کرده‌اند:

و لاتنس صهر المصطفی و ابن عمّه فقد کان بحراً للعلوم مسدداً
و من کان مولاه النبی فقد غدی علیّ له بالحق مولاً و منجداً
داماد و پسرعمّ مصطفی را فراموش مکن که در دریای
مواج دانش‌ها بود. همان که در شبانگاه توطئه قتل وی
[پیامبر]، جان‌نثاری کرد، و او برای همه کسانی که پیامبر ولی
آنان بود، ولی، امام و یاور گردید.

هفتاد: شمس‌الدین مالکی و غديره او

نامبرده در سال ۷۸۰ هـ وفات یافته است. علّامه امینی رحمته الله علیه اشعاری از وی نقل کرده که حاوی مناقب مولای متقیان علی امیرالمؤمنان است و ازجمله به حدیث «انا مدینه العلم..» اشارت دارد. علّامه امینی رحمته الله علیه بدین مناسبت کتاب الشریف الغدير را درج ۶ ص ۶۱ تا ص ۳۵۰ به مباحثی روایی و کلامی اختصاص داده است. در پایان نیز دوباره به شرح حال او برگشته و آثارش را برشمرده و اشعاری از وی آورده است. ابو عبدالله شمس‌الدین محمد مالکی، اندلسی نحوی معروف به ابن جابر اعمی یکی از مردان شعر و ادب و دارای مهارت در نحو و تاریخ و سیره و حدیث بوده که در سال ۶۹۸ هـ زاده شده و چنان‌که گفته شده در ۷۸۰ هـ درگذشته است.

غديره او:

... و قال رسول الله انى مدينة من العلم و هو الباب فالباب فاقصد
من كنت مولاه على وليه و مولاك فاقصد حب مولاك ترشد...
على عليه السلام شمشير رسول خدا و صحابى بزرگوار او و داماد
و پسرعمّ پیامبر مصطفى و پدر حسنین و دارنده سيادت و
آقايى بود و پروردگار آسمانها، زهرا را به عقد او درآورده و
با بهترين زنان همسر کرد و رسول الله ﷺ فرمود: من شهر
دانش هستم و على درگاه آن، پس اگر طالبى درگاه را قصد
كن و فرمود هر كه را من مولا بوده‌ام على مولای اوست مهر و
ولای مولی موجب رشد و رستگاری می شود.

هفتادويكم: علاء الدين ملّی

ابوالحسن شيخ على حلّی، عالمی بافضيلت و ادیبی با کمال و
ميان دانش فراوان و ادب درخشان را با اندیشه نابغانه و نظر
صائبانه جمع کرده و در طليعه شعراى اهل بيت به شمار آمده
است و قصيده‌هاى زیبای او مشحون از لحاظ رمزهاى باریک
و نکویی‌هاى با الفاظ سنگين و خردمندانه بودن معنى و
متانت سبك و اسلوب، قابل تقدير است.
قصيده‌هاى هفت گانه طولانى كه همگى زیبا و نکته دارند.

غديره‌ها:

... أأ الذى جحدوا الوصى و ما حكى فى فضله «يوم الغدير» محمد...

گمان ندارم کسی در دوزخ جاودان بماند جز کسی که وصی را منکر باشد و آنچه محمد صلی الله علیه و آله در غدیر خم در فضیلت او گفت، انکار کند. آنگاه که او به پا خاست و خطبه‌ای غرأ خواند و در حالی که دست در دست علی داشت و فرشتگان نیز ناظر بودند، فرمود: هر که من مولای او بوده‌ام، این حیدر مولای اوست نه کس دیگر. پروردگارا، دوستدار او را دوست بدار و معاندان و دشمنان حیدر را خوار گردان. به خدا سوگند جز مؤمن، عاشق علی نیست و جز ملحد کافر، او را دشمن نمی‌دارد. ای مردم یار و یاور او باشید و از نصرت او دریغ نورزید تا رستگار شوید. گفتند شنیدیم و تأکید جبرئیل را فهمیدیم اما تا محمد از دنیا رفت، به پیمان خیانت کردند... این قصیده دارای ۱۸۵ بیت است و تاریخچه غدیر و موضوع ولایت و امامت و فضائل علی علیه السلام را دربردارد.

قرن نهم

هفتاد و دوم: ابن عرندس ملّی

شیخ صالح ابن عرندس یکی از سرشناسان و مؤلفان شیعه و سرآمد در فقه و اصول و دارای هنر شعر و گوینده و سراینده مدایح و مراثی فراوانی در حق اهل بیت است. علّامه امینی رحمته الله نمونه‌هایی از اشعار او را در الغدیر بزرگ آورده است. غدیریّه او دارای یکصد و بیست بیت می‌باشد.

و بخمّ و اخاه النبی محمد حقّاً و ذلک فی الکتاب تنزّلاً
و مدحتّه رغماً علی آنافهم مدحاً به ربّی صدا قلبی جلا
و تراب نعل ابی تراب کلمّاً مس القذی عینی یکون لها جلا
و محمّد پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خمّ و در برابر کتاب نازلّه
خدا، با او برادر گردید و من هم بینی بدخواهان را به خاک
مالیدم و او را ستایش کردم چنان ستایشی که پروردگار من
بدان وسیله زنگار از دل من زدود. خاک پای ابوتراب علی،
توتیای چشم من است و با آن جلا پیدا می‌کند.

او در این قصیده به برخی فضائل علی (علیه السلام) از جمله جریان شکستن بت‌های روی بام کعبه اشاره نموده است. علامه امینی (رحمه الله) در همین مضمون، حدیث مزبور را از منابع مختلف و کتاب‌های معتبر اهل سنت، که متجاوز از چهل کتاب باشد، نقل نموده است.

هفتاد و سوم: ابن داغر ملّی

شیخ مخامس بن داغر از محبان اهل بیت طهارت است که بزرگان در مهر و محبت وی نسبت به آل الله (علیهم السلام) سخن فراوان گفته‌اند. علامه امینی نمونه‌هایی از شعر او را آورده است و غدیریه‌های او هر کدام بیشتر از چهل بیت است.

و حباه فی یوم الغدیر ولایة عام الوداع و کلّهم اشهادها
فهدا به (یوم الغدیر) مفصّلاً برکاته ما تنتهی اعدادها..

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز غدیر خم، به سال حجة الوداع، مقام ولایت را به او داد و همه گواه بودند و بدان وسیله در روز غدیر، برکات او که تمام شدنی نیست، به تفصیل بیان شد.

قومی که وصیت احمد (رضی الله عنه) را شنیدند، اما در سینه‌هایشان کینه انباشتند تا آن‌گاه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) رخت از جهان بریست؛ کینه‌ها را آشکار ساختند. ولی خدا را از مقام خلافت بلا فصل منع کردند. کار به آنجا رسید که به او به‌طور علنی بر روی منبرها، ناسزا و دشنام دادند. آیا او را آشکارا بر روی منبرها

ناسزا می‌گویید در حالی که با شمشیر او آن منبرها برای شما سامان یافت؟

هفتاد و چهارم: مافظ برسی ملّی

حافظ شیخ رجب برسی از اهالی حلّه، عارف، عالم و فقیه شیعی که آگاه به چندین رشته از علوم بوده و در فن حدیث و ادبیات و شعر نیز آشنا بوده است.

علّامه امینی رحمته الله سیزده اثر از او برشمرده، از آن جمله است: مشارق انوار الیقین... و نیز نمونه‌ای از اشعار وی را آورده است. تاریخ ولادت و مرگ او معلوم نیست.

غذیریّه:

له النص فی «یوم الغدير» و مدحه من الله فی الذکر المبین صریح...
نص روز غدیر برای اوست و ستایش وی از ناحیه خدا در قرآن مبین، آشکار است. او پیشوایی است که اگر کسی مهر او را به دل داشته باشد، میزان اعمال او در روز قیامت سنگین خواهد بود.

از آنجا که برخی شاعران غدیر، از جمله شیخ رجب در تیررس انتقاد و اعتراض قرار گرفته و به غلو متهم شده‌اند، بعضی مؤلفان^۱، آن‌ها را آماج تیرهای تهمت و ناسزا و انواع نسبت‌های ناروا، قرار داده‌اند. علّامه امینی رحمته الله به این مناسبت

۱. مانند ابن تیمیّه، ابن اثیر، قصیمی، جارالله موسی و امثال آن‌ها.

فصل‌هایی گشوده و به بحث‌های جانبی زیادی پرداخته که از عنوان «غلوگرایی در فضائل» شروع و صفحات ج ۷ الغدیر (از ص ۶۳-۴۱۲) و نیز تمام جلد‌های ۹ و ۱۰ را به خود اختصاص داده و بحث‌های کلامی، تاریخی، عقیدتی و علمی زیادی را مطرح کرده و روشنگری‌هایی نموده است.^۱ سپس بقیه شعرای غدیر را از قرن نهم به بعد آورده است.

هفتادوپنجم: ضیاءالدین هادی

سید جمال ضیاءالدین هادی یمنی صنعانی زیدی، یکی از رجال دینی و اولاد حسن بن ابی‌طالب بوده است. پدرش وی را در خردسالی همراه با عموزاده‌اش به صعده برد. او در آنجا به آموزش پرداخته و بالنده شده است.

علّامه امینی رحمته الله یازده اثر از وی نام می‌برد که بر چهار اثر او تأکید داشته و آن‌ها را از بهترین مؤلفات وی نام می‌برد که عبارت است از:

- کاشف الغمة عن حسن سيرة امام الامة
- کریمۃ الناصر فی الذّب عن سيرة الام الناصر
- السیوف المرفهات علی من ألحد فی الصفات
- نهایة التنبیه فی ازهاق التمویه فی الرد علی نشوان

۱. ما این بحث‌ها را به تناسب پی خواهیم گرفت.

سیدجمال، با برخی از عالمان یمن، مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها و مشاعره‌هایی داشته است. نامبرده در سال ۷۵۸ هـ به دنیا آمد و در ۸۲۲ هـ درگذشته است.

غدیریه:

این است مذهب ما که امام و پیشوا و رهبر پس از محمد مصطفی، حیدر قهرمان و دشمن‌شکن است یعنی: امیرالمؤمنین علی که ازسوی خدای رحمن به آن مقام رسید و در حق او آیه‌های مبارک نازل فرمود:

و قال فيه رسول الله سيدنا يوم «الغدير» بخمّ يوم حجهم
من كنت مولا (ای اولی) به فعلی اولی به و هو مولا هم بکلهم...

سرور و پیامبر ما در روز غدیرخم، در حضور افراد بسیار گفت: هرکس را من مولا بوده‌ام، یعنی سزاوارتر از او، این علی مولای همه آنان است. در ادامه قصیده فضائل و مناقب علی (علیه السلام) را برشمرده و به حوادث تلخ تاریخ بعد از رسول پرداخته است.

هفتادوششم: مسن آل ابی عبدالکریم

شیخ حسن آل ابی عبدالکریم مخزومی یکی از شاعران قرن هشتم است. چون تاریخ وفات او معلوم نیست، برخی قصائد او را به بعضی شاعران قرن نهم نیز نسبت داده‌اند.

علامه امینی رحمته الله قصیده یکصد و هفتاد و هفت بیتی از او آورده که در بعضی بیت‌ها از غدیر خمّ یاد کرده است:

و بیعة «خمّ» والنّبی خطیبها لها فی قلوب المشرکین نصول...

و بیعت غدیر خمّ که سخنران آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. آن بیعت و خطبه در دل‌های مشرکان همچون نیزه‌ها فرو رفت و احمد رحمته الله بر بالای بلندی، در حالی که دست مرتضی را در دست داشت، فرمود: ای جماعت حاضر، بشنوید و به آنان که غایبند برسانید. همه، اعم از ذلیل و عزیز گوش دادند، که فرمود: هر که را من مولا بوده‌ام آنک حیدر و علی، مولای اوست. این را از طرف پروردگار آسمان می‌گویم و علی امیرمؤمنان است و هر کس جز او را امیرالمؤمنین بخواند، نادرست‌کار و نادان است. همگی آفرین گفتند؛ لیکن برخی خاطری مکدر داشتند.

قرن دهم

هفتاد و هفتم: شیخ کفعمی

تقی الدین ابراهیم کفعمی، یکی از اعیان و سرشناسان قرن نهم که جامع علم و ادب و از طلایه داران حدیث و کاشفان گنج های پرسود و نادر است. مردم از تألیفات او از جمله مصباح و بلد امین بهره ها بردند.

علّامه امینی رحمته الله علیه شجره نامه او را در الغدیر بزرگ آورده است. معجم نگاران در کتاب های خود او را مورد مدح و ستایش قرار داده اند. علّامه امینی نام یازده نمونه تراجم را یاد می کند که صفحاتشان به نام او مزین است.

تالیفات متعددی از او در دست است که تعداد آن ها به روایت صاحب اعیان الشیعه، ۴۹ عدد است. علّامه امینی ۲۹ اثر از وی نام برده است. او در سال ۹۰۵ هجری دیده از جهان فرو بست. برخی ابیات غدیریه او به قرار ذیل است.

هنيئاً هنيناً ليوم الغدير و يوم الحبور و يوم السرور

و یوم الکمال لدین الاله و اتمام نعمه ربّ غفور
مبارک روزی است روز غدیر، روز کمال دین خدا و روز
اتمام نعمت پروردگار آمرزنده بر بندگان است.
روز رستگاری و روح پیروزی است و روز سازمان یافتن
همه امور است.

روز امامت و امیری مرتضی، پدر حسن و حسین است.
روزی است که به تقدیر پروردگار دانای توانا خطاب از
جبرئیل آمد. روز سلام بر محمد مصطفی و عترت طاهر
ماه‌های چهارده شبه است. روز مطرح‌شدن ولایت و وصایت
علی امیرالمومنین در غدیر...
در فرازی دیگر می‌سراید:

و بعده یوم غدیر خم ثامن عشر منه فاتبع نظمی...
پس از آن روز غدیر خم است هجده آن ماه به دنبال نظم
من باش. در آن روز از پیامبر ﷺ بیانی صریح درمورد امام
علی مرتضی آمد و اسلام در آن روز به کمال رسید...

هفتاد و هشتم: عزالدین عاملی

عزالدین شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی جبلّی، پدر شیخ
بهایی و از خاندانی شریف و دارای مجد و عظمت موروث و
مکتسب است. نیای او حارث اعور همدانی، همان که
امیرالمؤمنین علیه السلام به هنگام وفات، به او بشارت داد.

علامه امینی رحمته الله از بیست نفر از مشایخ هم عصر او نام برده که بر انتساب او به نیاکان پاک تصریح کرده‌اند. همچنین ضمن یاد از اساتید و شاگردان وی نام بیست و هفت اثر از تألیفات او در کتاب الغدير ذکر گردیده است.

او در سال ۹۱۸ هـ متولد و در ۹۸۴ هـ درگذشته است. امینی رحمته الله در الغدير، غدیریه‌ای چهل و پنج بیتی از وی آورده است.

اِخا المصطفى و ابا السیدین و زوج البتول و نجل الظهیر
و محبوب ربّ حمید مجید و خیر نبی بشیر نذیر
و نور الظلام و کافی العظام و مولى الأنام بنصّ
من برادر محمد مصطفی و پدر آن دو آقا (حسن و حسین) و همسر بتول و فرزند آن پشتیبان را صدا می‌کنم که محبوب پروردگار ستوده و با عظمت و برگزیده پیامبر، بشارت‌دهنده و اندازکننده است. او را به گفتار صریح روز غدیر که روشنائی تاریکی‌ها و کفایت‌کننده کارهای بزرگ و صاحب ولایت انسان‌ها است.

قرن یازدهم

هفتادونهم: ابن ابی شاین بمرانی

شیخ داود بن محمد حفصی بحرانی از نیکان قرن دهم هجرت و از برگزیدگان عصر خویش بود که به وجود مفاخر آراسته بود. اشعار او نیز مجموعه‌های ادبی را عطرآگین ساخته است.

غدیریہ او:

... ولما اتی نحو (الغدیر) برحله تلقاه جبریل الامین یبشّر
بنصب علی والیاً و خلیفۃ فذالک وحی الله لا یتأخّر...
پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مراسم حج از مکه حرکت کرد، اما در
دل رازی پنهان داشت. وقتی به (غدیر) رسید، جبرئیل امین
با پیامی بشارت‌آمیز آمد و فرمود: ای رسول خدا! فرمان خدا
در نصب علی به عنوان والی و خلیفه نباید تأخیر داشته باشد.
پیامبر صلی الله علیه و آله کاروان را در آن گرما، نگاه داشت و بر بلندایی
ایستاد و بعد از حمد و ثنای الهی گفت: ازسوی خدا امری
رسیده که باید اجرا شود و من به نام خدا آن را می‌رسانم و

خدا یاری رسان حق است. اگر کوتاهی کنم رسالت خدا را بر جای نیاورده‌ام. علی، برادر و جانشین من در میان امت است. او یاری‌کننده دین من است. پیروی از او بر همه واجب، و نافرمانی‌اش گناهی نابخشودنی است. ای مردم سخن مرا بشنوید و فرمانبردار او باشید تا پاداش یابید. آیا من برای همه شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ گفتند بلی. فرمود: آگاه باشید هرکه را من مولا بوده‌ام پس از من حیدر خلیفه و جانشین است.

بحرانی در سال ۱۰۰۱ هـ در گذشته است.

هشتاد: زین‌الدین ممیدی

عبدالرحمن بن احمد حمیدی دارای دیوان شعری پر از بدایع ادبی است. او قصیده‌هایی طولانی در مدح پیامبر خدا ﷺ دارد. وی در برخی قصائدش به غدیر، پرداخته است.

و بیاب العلوم صنوک مردی فی الردی کل مبطل بالرداء
اسدالله فی الحروب مجلّی ازمان الکروب و الغماء
و کفاه حدیث «من کنت مولاه» فخاراً ناهیک ذا من ثناء
و داماد و پسرعموی تو (پیامبر) همان دروازه دانش‌ها، دلیر
مردی بود که با شمشیر، هر باطل‌گرا را در میدان جنگ از
میان برداشت. شیر خدا در میدان‌های کارزار، غم و اندوه را
می‌زدود و حدیث «من کنت مولاه...» در منقبت او کافی است

و چه فخر و ثنای بزرگی است. او در سال ۱۰۰۵ هـ وفات نمود.

هشتادویکم: بهاء الملة والدین

محمد بن حسین شیخ الاسلام، معروف به شیخ بهایی، مشهورتر از آن است که بخوایم در وصفش بنگاریم. آثار و آوازه‌اش حتی در جهان خارج از اسلام نیز پیچیده است. کتابی در بزرگان شیعه نیست که به بیان حالات و آثار او پرداخته باشد. شیخ بهایی سی سال جهانگردی کرد و سپس در اصفهان مقیم گشت و در جوار امام رضا علیه السلام، هشتمین پیشوای معصوم، آرمیده است.

نسب او همان‌طور که در شرح حال پدر بزرگوارش، شیخ حسین آمد، به حارث همدانی می‌رسد. شرح حال او را بسیاری از دانشمندان و تراجم‌نویسان در کتاب‌هایشان آورده‌اند. علامه امینی رحمته الله نام ۴۲ نفر از آنان را یاد می‌کند. همچنین از مشایخ و شاگردان او که تعدادشان به ۱۰۰ نفر می‌رسد، نام می‌برد در ادامه ۷۷ عنوان از آثار شیخ بهایی را معرفی می‌نماید:

علامه امینی رحمته الله همچنین به تعدادی زیادی از شروح و تعلیقات گروهی از دانشمندان معاصر او و پس از او اشاره کرده است.

تولد وی ۹۵۳ ه و در سال ۱۰۳۱ ه درگذشته است.

شیخ بهایی در میدان هنر شعر و ادب هم یگانه‌تاز بوده و اشعار او در دیوان و دیگر کتب پخش است. قصیده رائیه او به نام «وسيلة الفوز و الأمان» بسیار لطیف و پر مضمون است. وی درباره غدیر قصادی دارد که برخی آنان را تخمیس کرده‌اند.

علامه امینی رحمته الله در کتاب الغدير آن را، که حدود چهل بیت است، آورده و ما چند بیت را یاد می‌کنیم:

امام البریة اصل الاصول	شفیع الأنام بیوم مهول
فتی حبّه الله ثم الرسول	وصیّ النبی و زوج البتول
امام به الشرک عنی خفی	و للظلم و الفسق عنا نفی
علی امیری و نعم النصیر	مجیری غداً من لهیب السعیر
و کان لأحمد نعم النصیر	و واخاه امرا غداة «الغدير»

(من الله نصّاً به و اختیاراً)

پیشوای انسانیت و ریشه‌دارترین نسل‌ها که در روز هولناک محشر، شفیع مردم است؛ جوانمردی که خدا و سپس رسول، او را دوست دارند. او وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر زهرا ی بتول است. پیشوایی که در پرتو وجود او آثار شرک از بین رفت و ظلم و نابکاری متفی گردید و محمد مصطفی، آن را خلاصه اهل تقوا و وفا، او را برگزید و برادر خویش خواند.

علی علیه السلام امیر و امام و رهبر من است و چه پیشوا و رهبر نیکی. او فردای قیامت مرا از شراره آتش دوزخ پناه‌دهنده است. او برای احمد یار و یآوری نیک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فرمان خدا در روز «غدیر» او را برادر خویش اعلام کرد و به نص و انتخاب پیامبر، پیشوا و خلیفه شد.

هشتاد و دوم: مرفوشی عاملی

شیخ محمد بن احمد حریری حرفوشی، شامی عاملی؛ از نابغه‌های دانش و ادب و از استوانه‌های فضیلت است که فضایل و ارزش‌ها را یکی پس از دیگری کسب کرده است. فضایل و ارزش‌ها برای او مانند دانه‌های شانه و یا خطوط دایره که به مرکز آن می‌پیوندند، لحاظ گردیده است. علامه امینی رحمته الله ۱۱ مورد از تألیفات او را نام برده است. بزرگانی مانند سید علی‌خان او را ستوده و شیخ حرّ عاملی در وفاتش او را رثا گفته است. وفات او به سال ۱۰۵۶ بوده است.

غدیریّه:

...و اسئل «بخم» کم له المختار من فضل أبانه
گویا برای صاحب دیانت، سخن از مرتضی (علی بن ابی طالب) به میان آوردم. آن‌گاه که گرد رنج بر سیمای زمانه نشست تو چون باران رحمت الهی انسان‌ها را پناه دادی.

آن‌گاه که شعله‌های نبرد بالا گرفت؛ شمشیرت صفوف دشمنان را درنوردید...

از سرزمین غدیرخم بازپرس که احمد فضایل و برتری‌های او را بر مردم بازگفت.

هشتادوسوم: ابن ابی المسن عاملی

سید نورالدین علی (دوم) موسوی عاملی جبعی از سرشناسان امامیه است و در طلیعه نوابع آنان که جامع دانش و ادب بوده و از جگرگوشه‌های علم و فضیلت به حساب می‌آید.

نامبرده از شاگردان شهید ثانی است. اشعار و آثار منظومش در میدان ادبیات اسلامی و امامیه می‌درخشد. پراکنده آثار او را سید امین در اعیان‌الشیعه گردآورده است.

علّامه امینی رحمته الله از هشت نفر که از وی روایت کرده‌اند، یاد می‌کند. شرح حال او را صاحبان در رجال و تراجم کتاب‌های خود آورده‌اند. علّامه امینی از هفت نفر یاد کرده است. او به نقل از حر عاملی می‌نویسد: او شاعری ادیب و دانشمند بوده که آثارش عبارت است از:

۱- شرح ناتمام مختصرالنافع

۲- الفوائد المکیه

۳- شرح الاثنی عشریه الصلاتیه

۴- رساله فی تفسیر آیه مودة ذی‌القربی

۵- رساله غنية المسافر عن المنادم و المسامر.

غديره:

و نصّ عليه في «الغدير» بأنّه امام الوری بالمنطق الصادق الفصل... پیامبر ﷺ در غدير با منطق راست و برخاسته از وحی و حق، تصریح کرد، علی رهبر و پیشوای مردم است. اما شما (منحرفان از علی) به شیوه ظالمانه، امامت و ولایت را به ناهلان واگذار کردید و آن را از کسی که شایسته‌ترین بود دور کردید چه دورکردنی، و به آن کفایت نکردید و رسول الله ﷺ را با منع دخترش از میراث او مورد ستم و اذیت و آزار قرار دادید و درباره آن حدیث‌هایی جاهلانه ساختید و باز به آن بسنده نکردید بر داماد و پسرعموی رسول الله عیب‌ها تراشیدید و تهمت‌ها زدید.

ابوالحسن موسوی در سال ۱۰۶۸ هـ درگذشته است.

هشتاد و چهارم: شیخ مسین کرکی

شیخ حسین بن شهاب‌الدین شامی، عالمی از نیکان خطّه جبل عامل و از دانشمندانی است که در بسیاری از علوم با دیگران شریک بود. بهره او در ادبیات نیز بسیار است. آن‌گاه که شعر می‌سرود تو نمی‌دانی دُرّ و شاهوار می‌سفد یا زرناب به قالب می‌ریزد. علامه امینی رحمته الله در ۱۳ مورد از آثار او نام می‌برد که شرح نهج البلاغه نیز از آن جمله است.

فخاص اميرالمؤمنين بسيفه لظاها و املاك السماء له جند...
 وصى رسول الله وارث علمه و من كان فى «خم» له الحلّ والعقد
 لقد ضلّ من قاس الوصى بضده و ذو العرش يابى ان يكون له نّد
 اميرالمؤمنين على شمشير برکشيد و به میان شراره‌های
 آتش جنگ رفت، در حالی که فرشتگان سپاه او بودند. وصی و
 جانشین رسول خدا ﷺ و وارث علم و دانش او، آن کسی
 است که به حکم غدیر خمّ حلّ و عقد امور بر عهده‌اش بود.
 به یقین گمراه شدند آنان که وصی رسول خدا را با دیگری
 مقایسه کردند؛ در حالی که خدای صاحب عرش ابا دارد از
 اینکه برای او مثل و مانندی وجود داشته باشد.
 کرکی در سال ۱۰۷۶ ه درگذشت.

هشتادوپنجم: قاضی شرف الدین

حسن بن قاضی جمال الدین یمنی صنعانی، یکی از سرشناسان
 یمن و چشم و چراغ ادیبان و دانشمندان، نویسنده و شاعر در
 آن سامان بودن است. دیوان وی «ثلاثة الجواهر» نامیده
 می‌شود. علامه امینی رحمته الله نمونه‌ای از اشعار، از جمله غديره
 او را آورده است.

... و امده لا متحرّجاً فى مدحه اذ لا مبالغة و لا اغراق
 و لاه احمد فى «الغدير» ولاية اضحت مطوقة بها الاعناق...
 پسر عمو و داماد پیامبر، چه نیکو پسر عمویانی بودند، با
 رگ و پی‌ای اصیل، پدر امامان معصومی که به مقامی بلند و

والا رسیدند. مدح و ثنای آنان زینت بخش اوراق گشت. او را ستایش کن و نگران مباش که دچار مبالغه و اغراق نخواهی شد. احمد مصطفی، در روز غدیر خم، او را به امامت و جانشینی خود برگزید، و از این پس ولایت او طوق آذین گردن‌ها گردید.

همگان در روز غدیر به ولایت حیدر شهادت دادند؛ آنگاه که نور آن ولایت همه جا را دربرگرفت.

هشتاد و هشتم: ابوعلی انسی

سید ابوعلی انسی، یکی از اعیان یمن و مؤلفان فاضل آن سامان است. شعری در عقاید دارد. متوکل از او حساب می‌برد. او در سال ۱۰۷۹ هـ وفات یافته است.

غدیریه ۹۱:

...زعم النص فی الوصی خفیاً من رمی النصب اصغریه و غالا
و حدیث الغدیر یکفیه ممّا قال فیہ محمد و استقالا
غیران الضغائن القرشیات بها کانت اللیالی حبالا
خدا فرمان داده نزاع و کشمکش مکنید و کار را به خدا -
سبحانه تعالی- و به بهترین خلق او، سرور پیامبران و
پاک‌ترین آنان در کردار و گفتار بازگردانید. پس چرا در آن امر
بزرگ (خلافت) از روی مخالفت و گمراهی، نزاع و کشمکش
کردید؟ درمورد بهترین خلائق، شورا و حکمیت کردید.

کسانی، کسان دیگر را حاکم ساختند حال آنکه کسی که با خدا مخالفت کرد و حرام را برگردانید و حلال نمود نزد من چه می‌شود؟

کسی که عقل و زبانش تیر ناصبی‌گری خورده، پنداشت که نص غدیر روشن نیست در حالی که حدیث غدیر و آنچه رسول‌الله محمد فرمود او را کفایت کند. جز اینکه شب آبستن کینه‌های کهن قریش بود!

هشتاد و هفتم: سید شهاب‌الدین موسوی مویزی

سید شهاب‌الدین، از فرزندان امام موسی کاظم و از نوابغ شاعران اهل بیت است که اشعارش دارای فخامت لفظ و جزالت معنی است. ابن شدقم او را چنین ستوده است: سیدی است با جلالت، خوش اخلاق، نیک‌خوی، بزرگوار، با اصالت، فصیح، ادیب و شاعر و آن‌گاه شمه‌ای از اشعار او را برمی‌شمارد. بستانی نیز نامبرده را از اعیان قرن یازده برشمرده است.

علّامه امینی رحمته الله در ردّ پندار برخی که او را غالی پنداشته‌اند، گوید: این شاعر علوی اولین شاعر از موالی اهل بیت علیهم السلام نیست که در حد اعتدال خارج نشده و در ولای آل الله و مدح خاندان نبوت به دنبال شرع و عقل هستند و هرگز گرد غلو به پیشانی‌شان ننشسته است.

وی به سال ۱۰۲۵ هـ دیده به جهان گشود، و در سال ۱۰۸۷ نقاب بر خاک کشید.

غديره:

نور مبین قد انار دجی الهدی ظلم الضلالة فی ضیاء سراجہ
و [غديرخم] بعد ما لعبت به ریح الشکوک و آض من لجلاجه^۱
امطرته بسحابة سميتها [خيرالمقال] و ضاق فی امواجه...
در پرتو چراغ او نوری درخشید که روشنگری آن، تاریکی
برآمده از ستم گمراهی، را در هم شکست. غديرخم پس از
آنکه دست تطاول بادهای شک و تردید با آن بازی کرده بود
بعد از به هم آویختگی و تردید، دوباره به اصل خود بازگشت...
و تو با ابری پر باران به مقالی که آن را بهترین سخن نامیدی و
موج های به هم فشردۀ شک و تردیدها را شکستی...

هشتاد و هشتم: سيد علی فان مشعشعی

او فرزند سید عبدالمطلب مشعشعی حویزی یکی از حاکمان
حویزه، که نسبش به امام موسی کاظم علیه السلام می رسد. او آراسته
به زیور علم، دانش و از جمله کسانی است که در شعر و ادب
گوی سبقت را از دیگران ربوده و با گوهرهای درخشان ادب
و آویزه های زیبا آراسته و البته از همه برتر، انتساب او به
خاندان رسالت است. علّامه سید محسن امین رحمته الله برای او ۵۵

۱. آض از ایض، بازگشت، رجوع و لجلاجه، جویدن کلام در دهان، درهم آمیختگی

اثر برشمرده است. او در سال ۱۰۷۴ هـ درگذشته و شهاب حویزی برای او مرثیه سروده است. علامه سید محسن امین رحمته الله درباره او، ضمن بیان شرح حال او، اشارتی به علم و دانش پدرش داشته و ۲۰ اثر از آثار وی را برمی شمارد.^۱

غديره:

... و يذاد عنها حيدر مع ان خير الخلق صرّح «فی الغدير» و نادا
من كنت مولاه فذا مولاه من بعدى و اسمع بالندا الأَشْهادا
اگر روزگار را خیری می بود، پس از محمد مصطفی آن
مرد تیمی بر منبر او بالا نمی رفت و حیدر از آن کنار زده
نمی شد، در حالی که بهترین خلق (محمد صلی الله علیه و آله) در روز غدیر
به صراحت گفت: هر که من مولایش بوده ام، پس از من این
(علی) مولای اوست و شما شاهدان این سخن را به گوش
همه غائبان صحنه برسانید...

و در منظومه ای دیگر می سراید:

و فی یوم «خَمّ» أبان النبی مولاته بر فیع الندا
فاولهم کان سلماً له وفادیه بالنفس لیل الفدا
و ناصره یوم فر الصحاب عنه فراراً کسرب القطا...
پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خَمّ ولایت او را با صدای بلند،
آشکارا بیان کرد، ولایت همان علی علیه السلام را که نخستین اسلام
آورنده بود و اولین کسی که در آن شب به جان نثاری، حاضر

۱. اعیان الشیعه، ۳/ ۲۰-.

شد جانفش را نثار کند و آن روزی که اصحاب در مقابل دشمن، مثل فوج پرندگان قطا، فرار را بر قرار ترجیح دادند، او ایستاد و رسول الله ﷺ را یاری کرد.

هشتادونهم: سید ضیاء الدین یمنی

سید ضیاء الدین جعفر حسنی یمنی، از رؤسای یمن، ادیب، کاتب و شاعر بوده، و حکمرانی بلاد «عدین» را بر عهده داشت. وی به سال ۱۰۹۸ درگذشته است. از آثار نثر او تقریظی است که بر کتاب «سمط اللثالی» نوشته است.

غديره:

و يوماً أقام الله لآلِ حقهم به و رسول الله فی القوم خاطب
به قلّد الله الخلافة أهلها و زحزح عنها الابعدون الاجانب
فكان امير المؤمنين على الوصى بنصّ الله فالأمر واجب...
و روزی که خدای حق آل محمد ﷺ را به پا داشت و
رسول الله ﷺ برای آن حق، سخنانی کرد و بدان وسیله
خلافت بر گردن اهل آن، همچون گردنبندی آویخته شد و
مردمان دور و بیگانه از آن کنار زده شدند. پس علی
امیرالمومنین به نص و فرمان صریح خدا، وصی و جانشین
گردید. پس امامت بر او واجب شد.

نود: ملا محمد طاهر قمی

ملا محمد طاهر قمی فرزند محمد حسین شیرازی نجفی قمی، یکی از یگانه‌های عصر خویش بود، که در تمام دانش‌ها، سهمی داشته و از مشایخ اجازات به‌شمار می‌آید که سلسله پیوسته‌ای است. افزون بر فقاقت جوشان، در فلسفه صحیح نیز مقامی بلند داشت و فضلی بسیار و دارای موعظه‌های رسا و نصیحت‌های عالی و سخنان حکمت‌آموز والا و شعر فراوان بوده است.

علامه امینی رحمته الله بیش از بیست اثر علمی برای او برشمرده و او در قم امام جمعه و جماعت بوده و در سال ۱۰۹۸ هـ درگذشته و در مقبره شیخان پشت قبر حضرت زکریای آدم، مدفون است.

غدیریه فارسی:

خیلیه کرد علی را به گفته جبار	نی چو وارد «خم» گشت بر سر منبر
ز همتش بگرفت از برای وی اقرار	نهاد بر سر او تاج «وال من والاه»
بکرد از پی اقرار خویشان انکار	ولیک آنکه به بخ‌بخ نمود تهنیش

غدیریه عربی:

ولایة المرتضى فی خم قد ثبتت	بنص افضل خلق الله و الرسول...
ان الإمامة عهد لم تنل احدا	سوی المصون من الزلات و الخطل

معنی غدیریه عربی:

ولایت و امامت مرتضیٰ علی علیه السلام به نص صریح سخنان پیامبر اکرم افضل خلق خدا، ثابت گردید. رسول الله نیز بر روی منبر به آن در حضور همه اهل دین و دولت تصریح فرمود. پیش‌تر در ماجرای «حدیث الدار» خلافت علی را به‌طور جد، بیان کرده بود: امامت، پیمانی است که به احدی جز کسی که معصوم از خطا و لغزش باشد، نمی‌رسد.

نودویکم: قاضی جمال‌الدین مکی

قاضی جمال‌الدین محمدبن حسن، از ادیبان خوش‌کلام و زبان‌داران بافضیلت و زمین‌های حاصل‌خیز سخن و صرافان شعر و قاضیان نیرومند به‌حساب می‌آمده است. او جمال علوم و معارف، و دارای سایه‌ای گسترده که ماه و خورشید فضل و کمالش، اطراف را روشن کرده و دانش سرشار و دریای موج او به اکناف سرازیر شده است و آوازه‌اش در همه‌جا پیچیده و همه اقبالش به پرواز درآمده است. آثار او بسیار قوی و برگرفته از عنصر آگاهی است. توسن بلاغت را از برج و باروهای خود پایین آورده و بر مرکب کلام غلبه و چیرگی یافته و افسارش را در دست گرفته است. او در ورود به سرزمین یمن کامروا گشته و بر منصب قضا تکیه زد...

علّامه امینی رحمته الله بخشی از سروده‌های او را در الغدير بزرگ آورده است.

غديره:

و لك الارث فى الولاء بحق فى رقاب الورى ليوم التناد
 لمقال النبى فى [ماء خم] انت مولى للمؤمن المنقاد
 فتهادى بالطوع قوم ففازوا و تمادى الغبى فى الانتقاد^۱
 ثم قال النبى والِ علياً يا الهى و من يعاديه عادى...
 ميراث برحق ولايت از آن تو است كه بر گردن مردم تا
 روز قيامت حق ولايت دارى؛ زيراكه پيامبر ﷺ در غدیر خم
 فرمود: ولّى و سرپرست هر مؤمن قرار گرفتى قومى با اطاعت
 تو هدايت يافتند و رستگار شدند؛ اما كودن و عنود، چون و
 چرا كرد و خرده گرفت. پس پيامبر ﷺ گفت: خدايا على را
 دوست بدار و با هر كه با وى دشمنى ورزد دشمن باش.

نودودوم: ابومحمد ابن شيخ صنعان

ابومحمد ابن شيخ صنعان كه نهج البلاغه‌اى به خط سيد
 شريف جرجاني در كتابخانه مدرسه على سپهسالار تهران (شهيد
 مطهرى) با شماره ۳۰۸۵ كتابت سال ۱۰۷۲ هـ تقيظ وى از
 ايشان موجود است. به مطلبى كه بيانگر تاريخ حيات او باشد
 وقوف نيافتيم؛ جز همين شعر كه به عنوان تقيظ در آن كتاب
 آمده است و نشانه توانمندى او در شعر نكوبى سخن و
 برنده بودن او در مسابقه ادبى است؛ هم چنان كه آيتى است در
 ولاى خالص براى امير المؤمنين عليه السلام.

۱. سلافة العصر، و ذر سلوة الغريب چنین آمده: و تمادى بكرهه المتماضى.

چند بیت از آن منظومه را می‌آوریم:

نهج البلاغة روضة مطورة بالنور من سبحات وجه الباری
 او حکمة قدسیّه جلیت بها مرآة ذات الله للنظار
 صنو الرسول و كان اول مؤمن عند الاله كصوره المختار
 و به اقام الله دین نبیّه و اتمّ نعمته على الاخيار
 نهج البلاغه بوستانی است با گل‌های تروتازه و شاداب با
 بارش نور از سبحات وجه باری تعالی یا حکمت‌های قدسی
 است که آینه ذات خدا را برای بینندگان جلوه داده است.

داماد و پسرعموی رسول ﷺ که همانند پسرعم
 برگزیده‌اش پیامبر خدا، نخستین ایمان آورنده و اولین
 پرستنده خدا بوده است. خدای باری تعالی به وسیله او دین
 پیامبرش را برپا داشت و نعمت خود را بر نیکان، تمام
 گردانید.

قرن دوازدهم

نودوسوم: شیخ حرّ عاملی

محمدبن حسن حرّ عاملی از نسل شهید روز طفّ و عاشورای حسینی حرّبن یزید ریاحی است. در این خاندان مجد و شرف و حرّیت؛ بزرگان دینی و استوانه‌های مذهبی و صرافان سخن و اندیشه‌وران و نابغه‌های کتابت و بیان و فقیهان و محدثان، فراوانند. مشهورترین آن‌ها در این مجموعه فضیلت‌ها، شیخ ما حرّ عاملی صاحب وسائل‌الشیعه است که مدار فقاہت و مبنای شریعت و محور احادیث اهل‌بیت است. شیخ در ۱۰۳۲ هـ دیده به جهان گشود و به سال ۱۱۰۴ هـ درگذشته است. علّامه امینی رحمۃ اللہ علیہ بیست و پنج اثر علمی برای او یاد می‌کند و نمونه‌ای از اشعار وی را می‌آورد. تنها قصیده غدیریه او که علّامه امینی، شمه‌ای از آن آورده است، دارای ۴۵۳ بیت است.

و أتت منه فی علی نصوص لم یحم حول ربعها الاحصاء

قال فيه فيه هذا وليّ، وصيّ وارثی هکذا روی العلماء
 ثم يوم [الغدیر] هل كان آلا لک دون الأنام ذاک الولاء...
 از او درباره علی (علیه السلام) نصوصی آمده که از شمار بیروند.
 در حق او فرمود: این ولیّ، وصیّ و جانشین و وارث من
 است عالمان چنین روایت کرده‌اند. شما پنداشته‌اید که هیچ
 پیامبری برای خویشاوندان نزدیکش ارث باقی نمی‌گذارد؟!
 علی مولای هرکس است که پیامبر (ص) مولای او بوده، مرأ و
 هوس را رها کنید و به نصّ، چنان تعیینی صورت گرفته است
 و سپس دعایی مستجاب نمود، که خبرهای آن متواتر است.
 وانگهی ولای روز غدیر آیا جز برای او (علی) - و نه برای
 دیگران - بوده است؟

نود و چهارم: شیخ امد بلادی

احمد بن حاجی بلادی، عالمی فاضل و ادیبی از شاعران و
 مادحان و ستایشگران اهل بیت است. مرثیه‌های فراوان درباره
 آنان دارد. او تنها در رثای سبط شهید امام حسین (علیه السلام) هزار
 بیت قصیده دارد که در دو مجلد فراهم آمده است. او در
 اوائل قرن دوازده ه در گذشته است.

غذیریه:

... و نَسَتْ عهوداً بالحمی سلفت و لن تعباً بنصّ نبیّها و نذیرها
 یا للرجال لامة ملعونة لم یکفها ما کان يوم غدیرها
 بئس العصابة من بعت و تنکبت عن دینها و تسارعت لفجورها

(بنی‌امیه) پیمان‌های حمایتی را که در گذشته بسته شده بود، فراموش کردند و هرگز به نص و سخن صریح پیامبر و نذیر امت، اعتنا نکردند. چه نامردمانی از امت نفرین شده که ماجرای غدیر بر ایشان کفایت نکرد، و چه بد گروهی بودند که تجاوزگری و ستمکاری کردند و از دین اسلام برگشته و به فسق و فجور پیشین خود برگشتند.

نودوپنجم: شمس الأدب یمنی

احمد بن احمد حسنی أنسی یکی از اعیان یمن و ادیبان فاضل آن سرزمین، که از طرف حاکم، مبعوض شده و به سرزمین حبشه تبعید گردید. او به سال ۱۱۱۹ هـ در حبشه درگذشته است.

غذیره:

علی ذاک الغدیر غدیر دمعی جری من اجلهم بحراً اذیّا
 غدیر طاب لی ذکراه شوقاً الی من ذکره یروی الصدیّا
 غدیر قد قضی المختار فیه ولایتیه و البسها علیّا...
 بر آن غدیر، غدیری که اشک من برای آن جاری است، و چون دریای پرموج و تلاطم می‌خروشد؛ یاد غدیر برای من شوق‌انگیز است، و مرا به یاد کسی می‌اندازد که تشنه را سیراب می‌کند. غدیری که پیامبر برگزیده خدا در آن، جامه

ولایت را بر اندام علی علیه السلام پوشاند و در میان مردم سخنرانی کرد و از وصی و جانشینش نام برد و او را امام امت نامید.

نودوششم: سیدعلی خان مدنی

صدرالدین سیدعلی خان مدنی شیرازی، از نسل زید شهید فرزند امام زین العابدین و از خاندانی بزرگوار است که خیمه‌های آن با ستون‌های علم، شرف و سیادت برافراشته و همچون درختی است که ریشه‌اش در اعماق زمین ثابت و شاخه‌های پرثمر آن به ژرفای آسمان‌ها قد برکشیده است، و هر زمان میوه‌ای دلخواه دهد. خاندان زید در حجاز و ایران تا به امروز خاندانی مفید و ثمربخش بوده‌اند.

شاعر ما از ذخایر روزگار و نیکان عالم و از نوابغ و مردان نیرومند جهان به حساب می‌آید. ملت مسلمان، به خصوص شیعه، می‌تواند به او و امثال او افتخار کند. شرح حال او را بسیاری از تراجم‌نگاران آورده‌اند. علامه امینی رحمته الله علیه به پانزده مورد اشاره دارد. علامه امینی رحمته الله علیه نوزده اثر از آثار علمی او نام برده و می‌نویسد: سید به سال ۱۰۵۲ هـ در مدینه دیده به جهان گشود و در سال ۱۱۲۰ هـ رخت از جهان فرو بست. و مدت چهل و هشت سال در هند اقامت داشت. علامه امینی در الغدير بزرگ پاره‌ای از اشعار او را آورده است.

غديریه:

و غدير خم و هو اعظمها من قال فيه ولاية الأمر
و اذكر مباهلة النبى به و بزوجه و ابنيه للنفر
و أقرأ و انفسنا و انفسكم فكفى بها فخراً مدى الدهر...
و غديرخم بزرگ‌ترین مفاخر او است که در ولایت امر به
او رسید. یاد کن مباهله پیامبر ﷺ و به همراه او، همسر و دو
فرزندش را با چند مسیحی.
و آیه «انفسنا و انفسکم» را بخوان، که در طول روزگار
همین فخر بس است.

و در قصیده‌ای بایّیه:

و هل لسواک بعد (غديرخم) نصیب فی الخلافة او نصاب
الم بجعلک مولا هم فذلّت علی رغم هناك لک الرقاب...
و آیا پس از ماجرای غديرخم بهره‌ای برای کسی جز تو
در خلافت هست؟! آیا تو را مولا و رهبر آنان قرار نداد؟
گرچه برخلاف میل باطنی‌شان، گردن‌هاشان به زیر بار رفت.
هیچ هاشمی، هرچند دارای حسب و نسب، در آن طمع
نورزید. پس تیم یا عدی، که بود و نبودشان برابر است،
کیستند؟ پس اگر آن‌ها حق تو را از روی شقاوت انکار
کردند، بر اشقیا عذابی فراهم است و چقدر افکار سفیهانه که
در برابر تو اظهار کردند لیکن تو مانند ماه شب چهارده بودی
که سگان بر او عوعو کنند.

نود و هفتم: شیخ عبدالرضا مقرئ کاظمی

عبدالرضا بن احمد از یگانه‌های دوران و علما و افاضل قرن دوازده هجری است، که دو فضیلت علم و ادب را درهم آمیخته است. دیوان او که به حروف تهجی ترتیب یافته، در ستایش ائمه علیهم‌السلام است. ما بر تعداد بالغ بر سه هزار و پانصد بیت وقوف یافته‌ایم. او در حدود سال ۱۱۲۰ هـ فوت کرده است. علامه امینی رحمته‌الله شش غدیریه از او آورده است.

غدیریه:

۱- قاضاعوا وصیّة «یوم خمّ» بعلیّ وصیّ و هم شهداء...
وصیّت روز غدیر را ضایع کردند و حق علی را که همگان شاهد بودند، از بین بردند. آن ولایت از زبان روح‌الامین و از سوی خداوند تعالی، که همه نعمت‌ها از اوست، خطاب شد که ولایت علی را برسان و گرنه رسالت را به پایان نرسانده‌ای و خدا جلوی دشمنانت را می‌گیرد.

بعد از آنکه آفرین گفتند و اعتراف کردند، نص «الیوم اکملت لکم» آمد و تهنیت سزاواری بود. با این وجود گفتند احمد علیه‌السلام وصیتی نکرده چه دروغ و افترای بزرگی.

از سویی خود روایت کنند که هرکس بمیرد و وصیّت نکند مرگ او مرگ جاهلی خواهد بود. بیچاره‌ها به پیامبر نسبت جهل دادند و چیزی ادعا کردند که او نگفته بود و بهتان زدند.

اما یهود اگر با ما احتجاج (تاریخی) کنند چه پاسخی داریم.
آیا حیا نمی کنید؟

۲- آخاه طه یوم «خَمّ» و قد أنزل فیہ، فیہ آیّٰ چهار...:
محمد مصطفی طه، در روز غدیرخَمّ که در آن روز در
حق او، آیاتی آشکار نازل گشت، او (علی) را برادر خود
خواند.

۳- و بخَمّ بویعت اذ لیس الّا انت دون الوری لها من محقّ...
در غدیرخَمّ با تو (علی) بیعت شد، نه با دیگری؛ که کسی
جز تو صاحب حق نبود و نصّ آیّه اکمال دین نازل شد.

۴- و یوم «خَمّ» خبر الغیاب عن تأمیرہ فی البیعة الأشهاد...
و در روز غدیرخَمّ خدای عالم الغیب از امارت و امامت او
خبر داد و هنگام بیعت، گواهان حاضر بودند که فرمود: هر که
را من مولای او بوده ام، حیدر برای او مولا است و هر کس در
حق وصی نیرنگ به کار برد خود را فریفته است.

۵- و کفی علیاً (فی الغدیر) فضیلة یأتی الیها غیره یتوصل...
فضیلت روز غدیرخَمّ علی (علیه السلام) را بس است؛ هر چند که
دیگری خواست به آن برسد.

وحی آمد ای رسول برسان آنچه را که در حق حیدر آمده.
آن گاه در میان اصحاب ایستاد. در حالی که دست چپ علی
حیدر، در دست راست پیامبر بود و با صدای بلند و رسا اعلام

کرد هر که را من مولا بوده‌ام حیدر برای او مولا و امام است.
 مبدا عوض کنید و دگرگونی ایجاد نمایید.
 ۶- حیدر الکرار ازکی ناعل من بنی آدم او حاف مشی
 لم یدن للآت یوماً قط بل عبدالله و بالتقوی نشا...
 حیدر کرار پاک‌ترین بنی آدم است که در روی زمین گام
 نهاده‌اند. هرگز به بت لات نزدیک هم نشد؛ بلکه خدا را
 پرستید و باتقوا، نشو و نما یافت.

نود و هشت: علم الهدی محمد

محمد بن مولا محمد محسن کاشانی از خاندان با علم و
 فضیلت است که فضایل موروث و مکتسب را در خود جمع
 کرده و پا در جای پای پدر که خود فقیه و دانش مردی
 سترگ بود، گذاشت و خلف صالح او شد.
 علّامه امینی رحمته الله در الغدير بزرگ ده اثر از او یاد کرده
 است. تاریخ ولادت و وفات او مشخص نیست.
 قصیده او بیش از ۱۵۱ بیت است؛ از آن جمله ابیات ذیل
 است:

الهی بحقّ الرسول الامین	جسیم الایادی علی العالمین
بحق الوصی اخیه السری	بمجد سنیّ و عز علیّ
وصیّ الرسول بامر حکیم	اتی من لدنک بلطف عمیم
ولیّ الانام بنصّ الغدير	امیر الکرام و نعم الامیر:

الهی به حق محمد امین رسول گرامی که توش و توان
 بزرگ او بر عالمیان، ثابت است. الهی به حق وصی و برادر
 جوانمردش، باشکوه درخشان و عزت بلند و والا.
 همان که وصیت او به لطف همگانی با فرمان قاطع از
 ناحیه تو آمد.
 و به نص غدیر، امام و پیشوا گردید و چه امیر بزرگواری.

نودونهم: شیخ علی عاملی

او از رجال جبل عامل و ساکن در عراق بوده و به علم و ادب
 و فضل موصوف است. او در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام)
 قصیده‌های طولانی دارد، از جمله قصیده‌ای که برخی ابیات آن
 به قرار زیر است:

و قال فی یوم «خَمّ» حین قال له جبریل بلغ مقالاً غیره مردود
 من کنت مولاہ حقاً فالوصی له مولی علی شاهد منهم و مشهود...
 و روز غدیر خَمّ هنگامی که جبرئیل به محمد گفت
 برسان...

سخنی، که جای هیچ ردشدنی نیست. هر که را من مولا
 بوده‌ام درحقیقت، او وصی و مولا است. این را حاضرین به
 غایبین برسانند.

یکمصد: ملا مسیمای فسوی

ملا محمد مسیح مشهور به مسیحا اهل فسای فارس است که در آثار فارسی تخلص به معنی و در عربی تخلص به مسیح می‌کرد. او دانشمندی بود که بر علوم مختلف، فلسفه، حکمت، ادب، شعر، خطابه و نویسندگی احاطه داشته که او را ستوده‌اند.

نامبرده در سال ۱۰۳۷ هـ متولد شده و ۱۱۲۷ هـ وفات یافته است. برخی ابیات قصیده شیوای او به قرار ذیل است.

من کان نصّ رسول الله عینہ لامرّة الشرع تبلیغاً بالاعلان
آنکه نص رسول الله ﷺ او را به عنوان امیر و پیشوای
شریعت تعیین کرد و آشکارا بیان فرمود: برسان و گرنه بدان
که حق رسالت را ادا نکرده‌ای...

این قصیده بالغ بر ۵۹ بیت است، و از قصاید زیبایی
غديرها به شمار است.

یکمصدویکم: ابن بشاره غروی

ابوالرضا شیخ محمدعلی یگانه‌ای بوده در فنون شعر و ادب و نابغه‌ای در میدان فضایل. ابیاتی از غديره او به شرح ذیل است.

غديره:

... بغديرخمّ للولاية حازها حقا و ليس بممكن انكارها

نهج البلاغه من جواهر لفظه فيه العلوم تنبیت اسرارها...
 من ثناگوی حیدر هستم، آن پارسائی که فخر ماسوی، و
 درهم کوبنده دژهای کفر است.

داماد پیامبر، پدر امامان و بهترینشان که خلافت با او
 ارزش یافت. در غدیرخم ولایت را صاحب شد و برای او
 حقی بود، انکارناشدنی.

نهج البلاغه گوهرهای لفظ اوست که در آن اسرار دانش‌ها
 بیان شده است. ابن بشاره در سال ۱۱۳۸ هـ وفات یافته است.

یکم صد و دهم: شیخ ابراهیم بلادی

ابوالریاض ابراهیم فرزند علی بحرانی. یکی از سرشناسان و
 علمای بحرین است به شعر موصوف است. در قصیده‌ای
 بیست و اند بیتی سروده است:

و اشهد أنه ولی علیاً ولی الله للدين اهتماما
 و صیره الخلیفه یوم «خم» بامر الله عهداً و التزاما...
 و گواهی می‌دهم که پیامبر خدا علی (علیه السلام) را با اهتمام تمام،
 ولی و پیشوا قرار داد و روز غدیرخم به امر و فرمان الهی
 تعهد و التزام گرفت و او را به روز غدیرخم، جانشین خود
 اعلام کرد.

و به وحی الهی او را با لقب امیرالمومنین ملقب ساخت...

یکمصدوسوم: شیخ ابومحمد شویکی

ابومحمد عبدالله خطی از شاگردان شیخ ابراهیم بلادی است که در هنر، ادبیات، شعر، سرایش فراوان و تقنن در آن، بهره‌ای فراوان داشت، هرچند که شعر او در حدّ متوسط است. نامبرده کتابی در احوال امام معصوم دارد و دیوان اشعارش به نام «جواهر نظام» و دیوانی دیگر، در رثای سادات که از همان دیوان استخراج شده است. او نیز چندین قصیده غدیریه دارد.

- ۱- حیدر الکرام مقدم الوری شامخ القدر علیّ ذی المعالی
 ثابت النصّ من الله و من احمد المختار محمود الفعال
 من له المختار و اخي فی الوردی مرغماً اعدائه اهل الضلال
 حجة الله بنصّ ثابت يوم «خم» فهو من والاه وال
- حیدر کرار، پیشرو همه، دارای قدر و منزلتی والا، علی مرتضی صاحب رتبه بالا، همان کسی که از ناحیه خدا و رسول مختار او که ستوده کردار است. نصّ در حق او ثابت است. حضرت محمد ﷺ در میان آن همه اصحاب، تنها او را برادر خویش خواند و بینی بدخواهان را بر خاک مالید و او در (غدیرخم) به نصّ گفتار رسول الله و به وحی الهی، حجت خدا گردید. پس دوستدار او را دوست باش.
- ۲- «یوم الغدير» به کمال‌الدین و متم نعمه خالقی و معینی...

روز غدیر روز کمال دین و تمامیت نعمت خالق و مددکار من است. خدا را چه روز بزرگی! عید بودن آن در دین محمد امین، نیک ثابت است. روزی که خدا اسلام را بعنوان آیین برای مردم پسندید و آن را تأیید و تثبیت فرمود.

۳- فواخاه من امر الاله و خصّه بفاطمه ام الهداة الفراقده وصیره من امر خالقه له اماماً «بخم» مرغما انف حاسد...
پس به فرمان خدا او را برادر خویش خواند و فاطمه مادر هادیان راهنما را به وی مخصوص ساخت و در (غدیرخم) به امر خدا به رغم حضور حاسدان و بدخواهان، او را امام و جانشین خود گردانید و با سخن صریح امامت و خلافت او و فرزندان او را بیان کرد. چه نیک فرزندان برای پدرشان بودند.

۴- وارتضاه الامام فی یوم «خم» فهو للخصم قاطع اوصاله و در روز غدیر اعلام خشنودی فرمود که او (علی) امام و جانشین است و او ریشه دشمن را می کند.

این شاعر غديره‌هایی دیگر دارد که به نمونه‌های مزبور، اکتفا شد.

یکصد و چهل و نه: سیدمسین رضوی

امیر رشیدالدین سید حسین رضوی هندی نجفی، یگانه دوران که دانش خود را با ادب بالا، همراه کرده و نابغه‌ای است که اصالت نسب را با فضایل مکتسب آراست. پدرش او را به

نجف آورد و او در آن محیط مقدس و دانش، بالید. او به سال ۱۱۵۶ هـ در کربلا وفات یافت.

غديرها و مدایع او:

سید رضوی در یک قصیده ۱۴۳ بیتی گوید:

صنو النبی امیرالمومنین ابوالسبطین باب العلوم المرتضی الشیم
و فيه جاء من المختار منقبة «من كنت مولاه» فهو الحق فاعتصم
امیرالمؤمنان داماد و پسرعموی پیامبر ﷺ پدر دو سبط
(حسن و حسین) دروازه دانش‌ها همان علی مرتضای گزیده
خصال، که منقب بزرگ «من كنت مولاه» ازسوی رسول مختار
درباره ی او است. پس به دامن وی چنگ بزن که او بر حق
است.

علامه امینی رحمته الله نمونه اشعار او را در مدح علی عليه السلام آورده
است و در تاریخ حیات او به اعیان الشیعه ارجاع داده است.^۱

یکصد و پنجم: سید بدرالدین ممد بن مسین

از نیکان کشور یمن و عالمان برجسته آن سرزمین است که در
دانش‌های کلام، پزشکی، ادبیات و شعر دستی بلند دارد و
دارای تألیفاتی است.

او در سال ۱۰۶۲ هـ به دنیا آمده است. علامه امینی رحمته الله
تاریخ وفات او را درج نکرده است.

۱. سید محسن امین، اعیان الشیعه ۲۶/۴۶-۵۷.

غديره:

فيه الامام الوصى حيدرة مولى البرايا و من له الشرف
 فيه اخوه و من فداه على فراشه ان روّوا و ان حرفوا
 فيه الذى فى «الغدير» عينه و بخبخ القوم فيه و اعترفوا:
 در آن جا (نجف) امام و جانشين رسول ﷺ، حيدر و
 مولاي مردم و كسى كه داراي شرف و عزّت است آرميده. در
 آنجا برادر اوست، آن كسى كه با خوابيدن در رختخواب وى
 جان نثارى كرد. هر چند بدخواهان آن روايت را تحريف
 كرده اند. در آنجا كسى است كه پيامبر ﷺ در روز غدير او را
 به عنوان خليفه و جانشين تعيين فرمود و آن قوم آفرين گفتند
 و بدان اقرار كردند.